

رهیافتی اسلامی در مفهوم سازی بنیادی عملیات روانی

(مطالعه سیره نظامی امام علی(علیه السلام))

Islamic approach in the concept grounded of psychological operations; Military Sire(method) of Imam Ali (PBUH)

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۳/۰۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۱۲

Mohammadi sirat H. MSc[✉], Mousavinia SM MSc

حسین محمدی سیرت[✉]، سیدمهدی موسوی نیا^۱

Abstract

Introduction: The article is about the psychological operation in military war and it mentioned the effectiveness, importance, and lack of native literature and religious in the necessity of referring to religious foundation like as Imam Ali's Sire. The article's main question is about "what are the principles of psychological operation in Imam Ali's military Sire". In order to answer this question, among his multiple activities, wide three battles, Jamal, siffen, Nahrawan is selected

Method: With due attention to the principles of Sire searching and extraction of Imam Ali's dialectical behavior, the information which were gathered through the library study will be examined qualitatively as Grounded Theory.

Results: This article utterance a variety of options and different kind of psychological operation such as "tactical", "strategic", "consolidation", "psychological operation in crisis" in Imam Ali's military Sire during three period of time "before the battle", "during the battle", and "after the battle" which is based on the categories of the Concept Grounded that conducted the principles of psychological operation of Imam Ali's Sire and recounting the principles of psychological operation on Imam Ali's Sire base on perspicacity principle, attitudinal principle, and behavioral principle. The categories that resulted are: logic view, Making and destroy symbols, Consideration to Social capacities, Emotional Influence, Making Passivity in the Opponent, Internal Capacity Creation, Active Positioning.

Discussion: Imam Ali's military Sire has special characteristics and specifically surrounded three principles of "Guidance", "Taqwa", and "virtuality".

Keywords: Imam Ali^(AS), Military Sire, Psychological Operation, War, Grounded Theory

چکیده

مقدمه: این مقاله در حوزه عملیات روانی در جنگ نظامی است. به سبب میزان تأثیرگذاری، اهمیت و فقدان ادبیات بومی و دینی مراجعه به مبانی دینی از جمله سیره امیرالمؤمنین(ع) را ضروری می‌سازد. «چستی اصول عملیات روانی در سیره نظامی امیرالمؤمنین(ع)» سوال اصلی مقاله حاضر است. به منظور پاسخ به این سؤال، از میان تحریک نظامی متعدد حضرت، سه جنگ گسترده جمل، صفین و نهروان انتخاب گردید.

روش: با توجه به اصول سیره‌پژوهی و استخراج منطق رفتاری ثابت معصوم(ع)، اطلاعات گردآوری شده از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، به روش استراتژی مفهوم سازی بنیادی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج: با ذکر موارد و انواع عملیات روانی «تاکتیکی»، «استراتژیک»، «تحکیمی»، «عملیات روانی در بحران» در سیره نظامی امیرالمؤمنین(ع) و در سه بازه پیش از جنگ، حین جنگ و پس از جنگ، از طریق مفهوم‌سازی بنیادی، مقوله‌های اساسی عملیات روانی را در سیره حضرت براساس سه‌گانه بینشی، گرایشی و رفتاری برشمرده‌است و سعی نموده تا گامی در تعریف اسلامی از عملیات روانی بردارد. مقوله‌های اساسی مذکور عبارتند از: نگرش منطقی، نمادسازی و نمادسوزی، توجه به ظرفیتهای اجتماعی، نفوذ عاطفی، خلق انفعال در جبهه مقابل، ظرفیت آفرینی داخلی و موضع گیری فعال.

بحث: عملیات روانی در سیره نظامی امیرالمؤمنین(ع)، جوانب و مختصات خود را دارد و به طور خاص، سه اصل هدایت‌گری، تقوا و معنویت‌گرایی بر آن سایه افکنده است.

کلید واژه‌ها: امام علی(ع)، سیره نظامی، عملیات روانی، جنگ، مفهوم‌سازی بنیادی

[✉]Corresponding Autho: University of Imam Hossein^(AS),
Tehran, Iran
E-mail: hmsirat81@gmail.com

[✉] دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران، ایران
۱- دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران، ایران

مقدمه

مختلف است؛ به گونه‌ای که برخی معتقدند نخستین کتابی که در این زمینه نگاشته شده است، به قرن پنجم پیش از میلاد باز می‌گردد. سان تزو^۴، استراتژیست مشهور آن دوره بوده که در قالب کتابی با عنوان "هنر جنگ"، بر استفاده از روش‌هایی نظیر هیاهو، شایعه، شعار دادن و فریب برای غلبه بر دشمن تأکید نموده است. (الیاسی، ۱۳۸۸، ص ۲۴)

علاوه بر این، ضعف ادبیات دینی در موضوع عملیات روانی نیز ضرورتی دیگر در انجام چنین تحقیقاتی است. حساس بودن عرصه عملیات روانی و تکنیک‌های فراوانی که در آن به کار می‌رودگاهی اوقات، تصمیم‌گیران را به سوی نقض این قاعده کلی سوق می‌دهد که «هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند». بنابراین لازم است برای به دست آوردن مبنا و معیار صحیح و حجیت‌آور در عرصه جنگ و عملیات روانی، به سراغ منابع قطعی و یقینی در آموزه‌های وحیانی برویم. پرداختن به این موضوع در سیره حضرت علی(ع)، از آن جهت اهمیت فراوان دارد که ایشان از آغاز بعثت تا پایان عمر شریفشان در نبردهای متعددی حضور داشته و همواره در سطح بالایی فرماندهی بوده‌اند نه به عنوان یک نیروی معمولی.

این پژوهش در رهیافتی اسلامی تلاش دارد ضمن بررسی سیره نظامی امیرالمؤمنین علی(ع) در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان، مفاهیم بنیادی عملیات روانی در سیره نظامی ایشان را استخراج نماید. شهید مطهری در تبیین مفهوم سیره و منطق ثابت رفتاری، آن را سبک و سیاق و منطق خاصی می‌داند که افراد صاحب سبک و منطق در سیر خودشان به کار می‌برند. به تعبیر ایشان، همه مردم سیر دارند ولی همه مردم سیره ندارند، یعنی چنین نیست که همه مردم در رفتار خودشان از یک منطق

پدیده جنگ در قرون اخیر به یکی از موضوعات رایج علوم اجتماعی تبدیل گشته است؛ به گونه‌ای که هم در مقام نظر و هم در مقام عمل، شاهد مصادیق متعددی از آن هستیم. کارل مارکس^۱ و همچنین ماکس وبر^۲، دو تن از بزرگترین جامعه‌شناسان معاصر هستند که این پدیده را در ابعاد مختلف به بحث گذارده‌اند. مارکس، به ارتباط جنگ با دنیای سرمایه‌داری اشاره دارد که در حقیقت، خوی سرمایه‌داری در عصر جدید، با تمام مؤلفه‌های استخدام‌طلبانه و فردگرایانه‌اش، پدیده جنگ را رقم می‌زند. از سوی دیگر، ماکس وبر نیز سخن از مؤلفه‌های دولت مدرن به میان می‌آورد و ناسیونالیسم در دولت مدرن را عامل اصلی و مهمی برای شروع جنگ می‌داند. (نش، کیت و اسکات، آلن، جلد ۱، ۱۳۸۸، ص ۲۶۶) فارغ از مقام نظر، قرون اخیر و به خصوص قرن بیستم، شاهد جنگ‌افروزی‌های عینی و عملی در مقیاس جهانی بوده است؛ جنگ‌هایی که صدمات فراوانی را به ملت‌ها تحمیل کرد. این تبیین سبب می‌شود تا ضرورت پرداختن به این پدیده، بیش از پیش نمایان گردد.

موضوع جنگ و متعلقات آن که بخش زیادی از آن شامل باید و نبایدها و تاکتیک‌های جنگ می‌شود، می‌بایست از منظرهای مختلفی نگریسته شود و طبیعتاً، موضوع عملیات روانی و کاربرد آن در جنگ، می‌تواند بخش مهمی از این کار باشد. هرچند استفاده از اصطلاح عملیات روانی برای اولین بار، به کمتر از یک قرن پیش، به سال ۱۹۲۰ توسط فولر^۳، استراتژیست مشهور بریتانیایی باز می‌گردد، (الیاسی، ۱۳۸۸، ص ۱۳) اما استفاده از مفهوم آن در مقام عمل و نظر، دارای سابقه بسیار طولانی در تمدن‌های

در مجموعه جنگ‌های امیرالمؤمنین(ع)، به اقتضای ماهیت دشمن، حضرت بیشتر به نوع خاصی از عملیات روانی مقید بوده است، هر چند که ایشان اصول و بایسته‌هایی در رفتار خود دارد که فراتر از نظریات فعلی است و به آنها نیز اشاره می‌شود. حضرت به فراخور شرایط، از شیوه‌های مختلف عملیات روانی استفاده برده‌اند و هر یک از این شیوه‌ها را در سه بستر تدارک، اجرا و ارزیابی و در سه بازه زمانی پیش از جنگ، حین جنگ و پس از جنگ به کار بسته‌اند که در ادامه به شرح و بسط مسئله پرداخته خواهد شد.

مفهوم شناسی عملیات روانی

با وجود تمام اختلاف نظرهایی که در زمینه تعریف عملیات روانی و تعیین حد و مرزهای آن وجود دارد، ناچاریم تعریف نسبتاً جامعی که معنایی کلی از این مفهوم را در ذهن متبادر سازد، بیاوریم. جمع بندی از تعاریف عملیات روانی به این صورت است که می‌توان آن را «به شیوه‌ها، روش‌ها و فنون روانی، سیاسی، اطلاعاتی و ... اطلاق نمود که نهادها، گروه‌ها و دولت‌ها با بهره‌گیری نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده از آن می‌کوشند تا در سطوح مختلف محلی، ملی و یا بین‌المللی بر روحیه، انگیزه‌ها، نگرش‌ها و هیجانات گروه‌های آماج، اعم از دشمن، بی‌طرف یا دوست، تأثیر بگذارند و آن‌ها را به انجام یا عدم انجام واکنش‌های معین ترغیب کند» (الیاسی، ۱۳۸۸). در هنگام کارزار هریک از طرف‌های متخاصم می‌کوشد تا با بهره‌گیری از فنون و روش‌های مختلف عملیات روانی، نیروهای دشمن را از ادامه نبرد باز دارد. زیرا می‌داند که ارتشی که از روحیه و آمادگی روانی لازم برای رزم تهی شده باشد، همانند جسدی است که روح از آن خارج شده

خاص پیروی کنند و سلسله اصولی را در رفتار خودشان داشته باشند که آن اصول معیار رفتار آن‌ها باشد (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۵۷). یکی از مواردی که بررسی سیره می‌تواند ارزشمند باشد، زمانی است که سیره معصومین(ع) بررسی گردد و منطق رفتاری ثابت آن‌ها در شرایط گوناگون استخراج خواهد شد. البته برخی ادعا دارند که اخلاق این بزرگواران و به‌طورکلی اخلاق، نسبی است و منطقی در آن دیده نمی‌شود، اما حقیقت ماجرا این است که اصول اولیه اخلاق یعنی معیارهای اولیه انسانیت به هیچ‌وجه نسبی نیست بلکه مطلق است، ولی معیارهای ثانوی می‌تواند نسبی باشد. (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۸۰) به عنوان مثال اصل قدرت داشتن و توانا بودن، یک اصل نسبی و برای زمانی خاص نیست، بلکه اصلی مطلق است. اما اعمال همین قدرت و زور که امری ثانوی است، در برخی زمان‌ها ضرورت دارد و در برخی زمان‌های دیگر نه؛ یعنی در مواردی اجازه اعمال زور وجود دارد و در مواردی دیگر، چنین نیست. (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۸۷)

بنابراین، منطق رفتاری ثابت معصومین(ع)، قابل دستیابی است و حتی آنجایی که اخلاق آن‌ها به تناسب شرایط بوده است، با بررسی آن شرایط خاص، می‌توان مجدداً به منطق رفتاری ثابت رسید. این منطق رفتاری ثابت به ما کمک خواهد کرد که در شرایط مشابه با زندگانی معصوم(ع)، رفتاری شبیه به ایشان انجام دهیم.

لازم به ذکر است که تطبیق کامل الگوی موجود در عملیات روانی با سیره معصومین(ع) به سختی امکان‌پذیر است، چرا که مبانی آنان بسیار متفاوت است. با این حال، تصور اینکه ادبیات موجود در حوزه عملیات روانی، هیچ کاربردی در تبیین رفتار آن بزرگواران ندارد، تصویری غلط است.

پذیرفته است. دکتر اصغر افتخاری در کتاب "الگوی جنگ روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران؛ رویکردی فرهنگی" جنگ روانی را این چنین بیان کرده است: «مجموع اقدامات سلبی یا ایجابی که با هدف تحت تأثیر قرار دادن اصول و مبانی تصمیم‌گیری و یا الگو و سیاست رفتاری مخاطب (اعم از مخالف، معارض و بی‌طرف) با استفاده از ابزارهای غیرکشنده (به صورت مستقیم) و کشنده (به صورت غیرمستقیم) صورت می‌گیرد؛ تا از این طریق مخاطب نسبت به تغییر رفتار متناسب با منافع درخواستی مهاجم، مجبور یا قانع یا توجیه گردد». همچنین، طبق الگوی ایشان، عناصر پنج‌گانه عملیات روانی به شکل ترسیم گردیده است:



نمودار ۱- سازمان معنایی عملیات روانی

روانی در بحران دانست. ب. باید اذعان داشت که بخش قابل توجهی از عملیات روانی، به اقناع سازی مخاطبین مربوط است و اساساً، اجبار صرف در عملیات روانی، تأثیر چندانی نخواهد داشت. آنچه عاملان پدیده اقناع سازی، با آن سروکار دارند،

است و در نتیجه ناتوان از انجام هر کنش اثر بخشی است (الیاسی، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

با توجه به اعتبارهای مختلف در تحلیل عملیات روانی، رویکردهای گوناگونی نسبت به این موضوع وجود دارد که با توجه به هر رویکرد، تبیین‌های مختلفی از آن صورت پذیرفته است؛ پاره ای از تبیین‌ها، ذیل رویکرد نرم‌افزارانه قرار دارد و بخشی دیگر، با رویکردهای سخت‌افزارانه مرتبط است. تفاوت عمده این دو رویکرد در این است که رویکردهای نرم‌افزارانه، به نوع ابزار به کار گرفته شده در عملیات روانی توجه دارد، در حالی که نقطه انکای رویکردهای سخت‌افزارانه، نحوه تأثیرگذاری است، نه نوع ابزار. (افتخاری، ۱۳۹۱)

اما آنچه مهمتر از این اختلاف رویکردها به نظر می‌رسد، یک جمع بندی در تبیین عملیات روانی، براساس تعاریف مختلفی است که تاکنون انجام

علاوه بر موارد شکل فوق، ذکر چند نکته ضروری است: الف. در عنصر اول که مربوط به اهداف عملیات روانی است، می‌توان به اعتبار نوع عملیات روانی که برگرفته از هدف عاملان عملیات است، اهداف را شامل استراتژیک، تاکتیکی، عملیاتی، تحکیمی و عملیات

استراتژیکی تقسیم می‌نماید. برخی منابع، دو گونه عملیات روانی عملیاتی و عملیات روانی در بحران را نیز به سه دسته فوق افزوده‌اند.

در عملیات روانی تاکتیکی^۵، ارتش کشور هدف به طور خاص و مردم آن کشور به طور عام مورد توجه قرار می‌گیرند و محدوده آن، منطقه عملیات است تا بتوان مقاومت فیزیکی دشمن را از بین برده و موانع جنگی دشمن را برطرف نمود. (حجاب، ۱۳۸۶، ص ۷۷) این نوع عملیات روانی به صورت کوتاه مدت است و در پی تحقق اهداف فوری می‌باشد. (الیاسی، ۱۳۸۸، ص ۴۹) عملیات روانی تحکیمی^۶، پس از تصرف یک مکان انجام می‌گیرد تا علاوه بر حفظ و تحکیم پیروزی، آموزش و متقاعد ساختن مردم آن منطقه صورت پذیرد. عملیات روانی استراتژیکی^۷ نیز در مقیاس و گستره‌ای بیشتر، محدود به زمان و مکانی خاص نیست و ممکن است کشورهای متعددی را در بر گرفته، طبقات مختلف غیرنظامیان، سربازان و افسران را مورد توجه قرار دهد. (حجاب، ۱۳۸۶، ص ۷۸) عملیات روانی عملیاتی^۸ نیز با رویکردی میان مدت، در خصوص مردم یک کشور، قوم یا نژاد، صورت می‌پذیرد. (الیاسی، ۱۳۸۸، ص ۴۹) اما در عملیات روانی در بحران^۹، تمام تلاش طرفین، صرف این می‌شود تا ضمن متقاعد ساختن مردم، از پیوستن بی طرف‌ها به جبهه مقابل ممانعت به عمل آید. همچنین، از مخالفین چهره‌ای غیرانسانی جلوه داده شده و جایگاه رهبران مخالف را مخدوش سازند و از بهره‌گیری مخالفان از اطلاعات و اخبار ضد خودی ممانعت ورزیده شود. در عملیات روانی در بحران، تلاش می‌شود تا تمامی این اقدامات، با کمترین هزینه انجام پذیرد. (الیاسی، ۱۳۸۸، ص ۵۰)

نگرش‌های موجود در جامعه است. در اقلان سازی باید سعی شود با پیگیری روندی صحیح، افکار عمومی همراه شوند. در جمع‌بندی تعاریف مختلفی از نگرش، می‌توان آن را بیشتر به جنبه‌های ذهنی و روانی فرد اطلاق نمود، هرچند آمادگی برای عمل یا پاسخ دادن به یک محرک هم در آن لحاظ شده است. در واقع، نگرش دارای سه عنصر اصلی است: یک عنصر شناختی که شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره یک شیء یا اندیشه است، یک عنصر احساسی یا عاطفی که معمولاً نوعی احساس عاطفی پیوند یافته با باورها است، تمایل به عمل و آمادگی برای پاسخگویی به شیوه‌ای خاص است (کریمی، ۱۳۸۴، ص ۲۲۱). بنابراین عاملان عملیات روانی سعی می‌کنند با تأثیرگذاری بر هر یک از عنصرهای بینش، گرایش و رفتار، اهداف مورد نظر را در تغییر نگرش‌ها محقق گردانند. بنابراین در سازمان معنایی فوق‌الذکر، می‌توان عمده اتکا در عنصر پنجم، را بر اقلان و توجیه مخاطبین گذاشت.

ج. هر یک از عناصر فوق‌الذکر، در مراحل سه‌گانه پیش از جنگ، حین جنگ و پس از جنگ، قابلیت تکرار دارد.

انواع عملیات روانی: عملیات روانی به اعتبارهای مختلف، می‌توان دسته‌بندی‌های گوناگونی داشته باشد. می‌توان این پدیده را از نظر فنی-نظامی، نوع اجرا، جمعیت مخاطب و سطوح فراگیری تقسیم‌بندی نمود. اما به نظر می‌رسد انواع عملیات روانی از نظر فنی-نظامی، با توجه به این که در پیچه ورود به بحث در این پژوهش، بیان بخشی از سیره نظامی امیرالمؤمنین علی(ع) است، می‌تواند مفیدتر باشد. محمد منیر حجاب در کتاب جنگ روانی، عملیات روانی را از نظر فنی-نظامی به سه دسته تاکتیکی، تحکیمی و

مراحل عملیات روانی

هر یک از عملیات‌های روانی و تاکتیک‌هایی که در آن به کار برده می‌شود، در مراحل با یکدیگر مشترکند. به طور خاص، می‌توان مرحله تدارک و آماده شدن برای جنگ روانی، اجرا و همچنین ارزیابی را به عنوان سه مرحله اصلی در عملیات روانی نام برد:

الف) مرحله تدارک: در مرحله تدارک، ضمن تعیین محدوده مأموریت و مخاطب، می‌بایست برآورد دقیقی از وضعیت کلی و همچنین وضعیت دشمن و نیروهای خودی به تفکیک به دست آید. با این مقدمات، می‌توان فضا را برای نیروهای خودی شفاف‌تر کرده، هدف را تبیین نمود و با انتخاب و گزینش وسایل و تاکتیک‌های جنگ روانی، مجموعه تدارکات لازم برای یک عملیات روانی موفق را تکمیل نمود. (حجاب، ۱۳۸۶) مرحله تدارک در ادبیات معمول این حوزه، با عنوان مرحله پیش از جنگ روانی یاد می‌شود.

ب) مرحله اجرا: در این مرحله، مجموعه تمهیداتی که جهت تحقق عملیات روانی موفق فراهم شده بود، به مرحله اجرا و عینی‌سازی می‌رسد و اصطلاحاً به آن، مرحله حین جنگ روانی گفته می‌شود.

ج) مرحله ارزیابی: آنچه از عملیات روانی مورد انتظار است، صرفاً انتقال یک پیام و محتوا به مخاطب نیست، بلکه نتیجه مطلوب نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. اهمیت بازخورد مطلوب از سوی مخاطب، ضرورت ارزیابی را بیش از پیش می‌نماید. اقتضای این ضرورت، مجریان عملیات روانی را به این تصمیم خواهد رساند که نتایج ارزشیابی‌های اولیه را در طراحی آزمایش نهایی دخیل سازند. (حجاب، ۱۳۸۶) در واقع، یک عملیات روانی موفق، در مرحله ارزیابی و پس از جنگ روانی، باید بتواند آخرین تلاش خود برای تأثیرگذاری

انجام دهد. برای استخراج سیره در پژوهش حاضر، به داده‌ها و اطلاعاتی که از طریق مطالعه کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردیده بود رجوع شد. مطالعه مذکور، بررسی آثار کتابخانه‌ای موجود را که عموماً، میراث عالمان و صاحب نظران در موضوعات تاریخ اسلام، سیره امیرالمؤمنین (ع) و جنگ است، در بر می‌گیرد تا از این مسیر، پاسخی مناسب و متقن به پرسش اصلی تحقیق داده شود.

هدف از پژوهش حاضر مفهوم‌سازی بنیادی عملیات روانی با مطالعه سیره نظامی امام علی (ع) است که با بیان مفاهیم و روابط میان آنها بتواند مقوله عملیات روانی در سیره نظامی امیرالمؤمنین (ع) را مفهوم‌سازی نماید. لذا پژوهش حاضر از حیث رویکرد استقرایی و از حیث هدف، اکتشافی می‌باشد. برای دستیابی به این منظور استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی برگزیده شد. استراتژی تئوری مفهوم‌سازی بنیادی با هدف گردآوری داده‌های بدون سوگیری، مجموعه‌ای از رویه‌های فنی را مورد استفاده قرار می‌دهد. چون این استراتژی نوعی پژوهش کیفی است، مسئله پژوهش دقیقاً در قالب متغیرهای مستقل و وابسته بیان نمی‌شود، بلکه فقط سوال اصلی پژوهش مطرح می‌گردد. محورهای کلیدی در این استراتژی کدها^{۱۰}، مفاهیم^{۱۱} و مقوله‌ها^{۱۲} هستند (دانایی فرد، ۱۳۸۴).

در این پژوهش، پس از گردآوری داده‌ها، در وهله نخست براساس نگاهی کلان و به اعتبار نوع عملیات روانی عنوان گذاری خواهند شد و در وهله دوم در سه مرحله پیش، حین و پس از سه جنگ جمل، صفین و نهروان دسته بندی خواهند شد. عبارت‌های مورد نظر طبقه‌بندی شده و از هر عبارت مفهوم یا مفاهیم کلیدی آن عبارت استنتاج می‌شود،

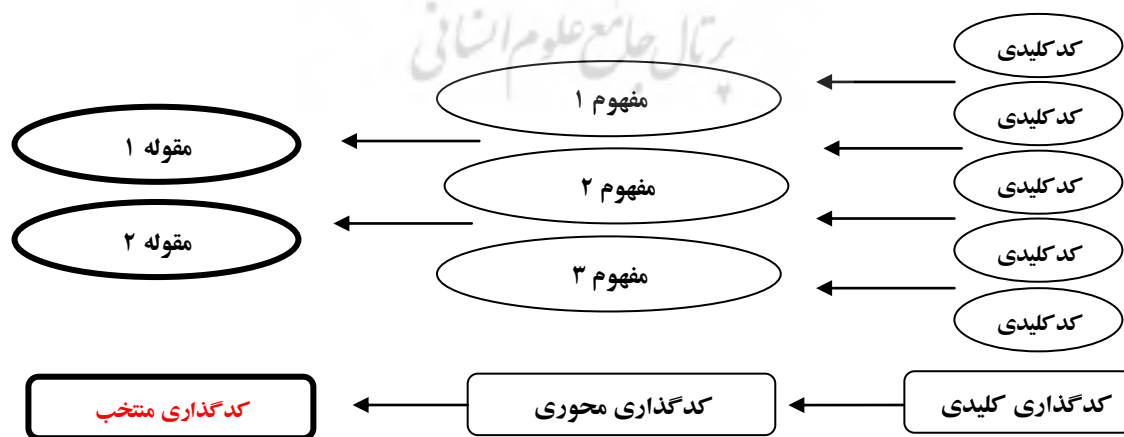
همانگی با واقعیت، کاربردی بودن، قدرت تبیین و تشریح و پیش بینی پدیده هاست (گودرزی و رودی، ۱۳۹۰). در پژوهش های کیفی نحوه دستیابی به مدل اهمیت بالایی دارد، چرا که اعتبار مدل معادل اعتبار روش دستیابی به مدل است.

کدگذاری نکات کلیدی

در گام اول، با مرور دقیق متون تاریخی متعدد متقدم و متأخر اهل سنت و شیعه که به بیان جزئیات و کلیات و احوالات سه جنگ جمل، نهروان و صفین در سال های هجری قمری؛ نکات کلیدی استخراج گردید. همان طور که ذکر شد نکات کلیدی و کدگذاری آنان در درون خود متن انجام شد و به دلیل حجم گسترده در قالب جدول ذکر نگردید. لازم به ذکر است که به تفکیک عبارات و حتی کلمات به وسیله پژوهشگر و قرار دادن آنها در یک جدول فرایند کدگذاری^{۱۳} گویند. عبارت کوتاه توصیف کننده یک "کد" نامیده می شود (دانایی فرد، ۱۳۸۴). البته این که چگونه کدگذاری صورت پذیرد مساله ای قابل مناقشه است و به نظر می رسد خبرگی محققان در این امر دخالت زیادی دارد.

به این مرحله "کدگذاری نکات کلیدی" می گویند. برای این منظور در جدولی با سه ستون به ترتیب نشانگر اختصاری نکته کلیدی، عبارت کلیدی و نهایتاً کد مربوطه درج می شود که البته به دلیل حجیم بودن نکات کلیدی و ضرورت ذکر استنادات در این پژوهش، نکات کلیدی در متن ذکر شده و در جدول اشاره نشده است. در گام بعدی کدهای حاصل تحلیل و آن دسته از کدها که با یکدیگر موضوع مشترکی دارند، گروه بندی می شوند. این موضوع مشترک تحت عنوان "مفهوم" شناخته می شود. پس از احصای مفاهیم، مفاهیم مشترک در کنار یکدیگر تشکیل یک "مقوله" را می دهند که دارای مفاهیم کلان و انتزاعی تر هستند. شکل گیری مفاهیم و مقوله ها در نهایت به ظهور تئوری منجر می شود. این تئوری می تواند در قالب یک مدل و متشکل از روابط ساده و یا چندگانه نمایش داده شود. (دانایی فرد، ۱۳۸۴؛ پورسعید و شامحمدی، ۱۳۹۱).

در علوم اجتماعی، مدل با بیان عناصر، اجزاء و روابط منطقی میان مفاهیم موجود در یک پدیده به نظم بخشی و ساده سازی واقعیت اجتماعی می پردازد. اثربخشی یک مدل وابسته به قدرت نظم دهی،



نمودار ۲- روند مفهوم سازی بنیادی

پس از شناسایی مفاهیم که از متن عبارت‌ها به دست آمده است، برای تهیه الگوی فرایندی (پارادایمی) نیاز به شناسایی مقوله‌ها می‌باشد. مقوله‌ها همان‌گونه که از نامشان پیداست نسبت به مفاهیم، محوری‌تر و کامل‌تر هستند و ممکن است یک مقوله تعداد زیادی از مفاهیم را تحت پوشش خود قرار دهد. کیفیت این مرحله به میزان تعقل و اجتهاد محقق یا محققین مرتبط است. محقق باید کوشش نماید تا مقوله‌های مستخرج شده برای مخاطبین منجر به تصدیق شود (پورسعید و شامحمدی، ۱۳۸۹).

عملیات روانی در جنگ‌های سه‌گانه حضرت

عملیات روانی صورت پذیرفته توسط امیرالمؤمنین علی(ع) در هر یک از جنگ‌های جمل، صفین و نهروان، در سه بازه پیش از جنگ، حین جنگ و پس از جنگ بیان می‌شود و سپس در کنار نکات کلیدی کد گذاری رخ می‌دهد. راهنمای کد گذاری مقاله بدین شرح است:

جدول ۱- راهنمای کدگذاری

کد	موضوع	کد	موضوع
p	قبل از جنگ	A	جنگ جمل
q	حین جنگ	B	جنگ صفین
r	بعد از جنگ	C	جنگ نهروان

فرموده‌اند:

«پس آن گاه که حکومت را به دست گرفتیم، گروهی پیمان شکستند و گروهی منحرف شدند و گروهی تجاوز کردند. گویا سخن خداوند سبحان را نشنیده‌اند که می‌فرماید: «تَلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ غُلُوبًا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» آن

شکل‌گیری مفاهیم و مقوله‌ها: کدگذاری محوری عبارت است از سلسله رویه‌هایی که با آن‌ها پس از کدگذاری کلیدی با برقراری پیوند بین کدها، به شیوه‌های جدیدی اطلاعات به یکدیگر ربط می‌یابند. وظیفه محقق در این مرحله، دسته بندی و مقایسه عناوین استخراج شده از داده‌ها است. در کدگذاری کلیدی (گام قبلی)، داده‌ها خرد و ریز می‌شوند، این امر به محقق اجازه می‌دهد تا بعضی از مقولات، خصوصیات و محل آن‌ها را روی ابعاد شناسایی کند. اما در این مرحله همان داده‌ها را دوباره با ایجاد روابط به نوعی جدید به یکدیگر مرتبط می‌سازد. روند ارتباط دادن خرده مفاهیم به یک مفهوم، جریان پیچیده‌ای از تفکر استقرایی و قیاسی است که متضمن مراحل مختلف است. کدگذاری محوری مانند کدگذاری کلیدی، از راه مقایسه‌ها و طرح پرسش‌ها صورت می‌گیرد. این کار مستلزم صرف وقت و حوصله بسیار است، چرا که در ابتدا ارتباط بین آنها چندان آشکار نیست و صرفاً انبوهی از داده‌های خام کمتر مرتبط مشاهده می‌شوند (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰؛ پورسعید و شامحمدی، ۱۳۸۹).

جنگ جمل: آنچه اصل و اساس دشمنی طلحه و زبیر به عنوان عاملان جنگ جمل با حضرت گردید و در ادامه، با همراهی چهره وجیهی همچون عایشه، هزینه فراوانی را بر حضرت تحمیل کرد، دنیاپرستی و قدرت‌طلبی سران جمل بود. حضرت در خطبه سوم نهج البلاغه، از این هدف آنان پرده برداشته، آنجا که

سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین، خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش]، از آن پرهیزگاران است! آری، به خدا سوگند، آن را دانستند و درک کردند؛ ولی دنیا در دیده‌شان زیبا آمد و زیورهای آن، چشمانشان را گرفت.» (نهج البلاغه، خطبه ۳).

الف) پیش از جنگ: نکات کلیدی و کدگذاری باز مستخرج از سیره نظامی امام علی^(ع) در پیش از جنگ: **جمل بدین شرح است:**

Ap1. استدلال و تبیین جنگ: تمام سعی و تلاش امیرالمؤمنین^(ع) در جنگ جمل بر این بوده است که ضمن اجرای کوتاه مدت عملیات روانی تاکتیکی در گستره بیشتری از مخاطب، تعقل و تفکر نموده و راه صحیح را انتخاب نمایند. به همین وجه، بخشی از اقدامات ایشان پیش از شروع جنگ، ایجاد انگیزه عقلانی در نیروهای خودی است و بخش دیگر، استدلال برای دشمن و به اصطلاح، اتمام حجت کردن با آنان است. همچنین، حضرت با درایت تمام و به صورت منطقی، به شبهات مطرح شده ناکثین پاسخ گفته و در خطبه‌های متعددی از جمله خطبه‌های ۸ و ۲۲ نهج البلاغه، پاسخ‌هایی را به طلحه و زبیر گوشزد نموده‌اند. امام^(ع) در میدان جنگ، با طلحه سخن گفت، اما مواظب ایشان در طلحه کارساز نبود. (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰، جلد ۱) ایشان برای متقاعد ساختن زبیر، آنقدر به او نزدیک شدند که می‌گویند حتی گردن اسبانشان به هم نزدیک گردید. پس از سخنان حضرت با زبیر، رشته افکار او از هم گسست (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، جلد ۱) و در نهایت، از جنگ کناره گرفت (یعقوبی، بی‌تا، جلد ۲).

Ap2. بهره‌گیری از نمادها: حضرت در جنگ جمل، با استفاده از برخی نمادهای مقبول مردم، علاوه بر

توجه به هدفی که در مورد پیروزی در جنگ داشتند، نیت بلندمدت تری را در قالب یک عملیات روانی استراتژیک دنبال می‌کردند. یکی از صورت‌های اتمام حجت حضرت در جمل، دادن قرآنی به دست ابن عباس بود تا به سراغ سران ناکثین رفته و برای آخرین بار اتمام حجت نماید... جوانی نیز از جانب حضرت، قرآن به دست به سوی سپاه ناکثین رفت که طبق پیش‌بینی حضرت، هر دو دست او را قطع کردند. آن جوان، قرآن را به دندان گرفت تا لحظه‌ای که به شهادت رسید (سبحانی، ۱۳۸۶).

Ap3. بیان‌های مؤثر: بخشی از عملیات استراتژیک حضرت، استفاده از بیان‌های مؤثر و موجه بوده است: دعا: نقل است که ایشان، پیش از جنگ شروع به صحبت کرده و سخنان خود را در قالب دعا فرمودند (ابن طاووس، ۱۴۱۱، صص ۹۴-۹۶).

شعار: یکی از اقدامات حضرت برای روحیه دادن به سپاهیان خود و کاستن از روحیه سپاه دشمن، استفاده از دو شعار «یا منصور امت» و «حم لاینصرون» بوده است که هر دو شعار از ابتکارات حضرت رسول^(ص) می‌باشد (سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۴۴۷).

Ap4. کنترل و هدایت نیروهای خاکستری: با شروع بحران در قلمروی اسلامی، حضرت با اجرای عملیات روانی در بحران، از پیوستن نیروهای بی‌طرف به جبهه مقابل ممانعت به عمل آوردند. گویند احنف بن مالک، از اهالی صاحب نفوذ بصره بود که در جواب درخواست ناکثین، اعلام بی‌طرفی کرده بود. وقتی با حضرت ملاقات و متقاعد شد به جای شرکت در نبرد، به خواسته امام^(ع)، خود و ده هزار شمشیرزن را از ورود به جنگ بازدارد (سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۴۳۶).

Ap5. نمایش صلح طلبانه: امیرالمؤمنین علی^(ع) با

ص ۱۷۵) و قرار دادن قبایل در کنار یکدیگر، (قائدان، ۱۳۷۵، ص ۱۶۷) هر قبیله را در مقابل هم قبیله‌ای‌های خود در سپاه دشمن قرار داد که از این کار، دو احتمال به ذهن می‌رسد: نخست اینکه تاکتیک حضرت، عاملی برای تحریک قبایل جهت حفظ اقتدار و قدرت قبیله خود باشد، دوم اینکه نیروهای یک قبیله نسبت به خصوصیات رزمی قبیله خود اطلاع داشتند. همچنین، این کار باعث می‌شد که قبیله‌ها از یکدیگر کینه نداشته باشند و خون ریخته شده، در هر قبیله‌ای بماند. (قائدان، ۱۳۷۵، ص ۱۷۵) این نوع از عملیات روانی را می‌توان از قبیل رفتارهایی دانست که به موجب آن، حضرت به دنبال فرهنگ‌سازی صحیح و ادامه‌دار هستند و هدف ایشان صرفاً به ایام جنگ ختم نمی‌شود. ایشان با طرح‌ریزی یک عملیات روانی استراتژیک، می‌خواهند جامعه را متوجه این امر نمایند که می‌توان از ویژگی‌های قومی و قبیله‌ای به صورت درست بهره‌برداری نمود.

Aq2. نمایش اقتدار: یکی از اقدامات روانی تاکتیکی حضرت در حین جنگ، صلابت و استواری در جنگ بوده است که این کار، هم سبب افزایش انگیزه نیروهای خودی می‌شده و هم بر دل دشمنان، رعب می‌افکنده است. آورده‌اند از شدت جنگ حضرت، دوبار شمشیر ایشان خم شد و حضرت ناچاراً به عقب بازگشت تا شمشیرش را راست کند (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱، جلد ۲، ص ۴۷۴). ابن ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه نقل می‌کند آنگاه که فردی به نام عبدالله بن ابزی از سپاه ناکثین، شروع به رجز خواندن کرد و علی(ع) را به جنگ فراخواند، علی(ع) با نیزه بر او حمله بُرد و بر او نیزه‌ای زد و او را کُشت (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، جلد ۱، ص ۲۵۶).

طرح‌ریزی یک عملیات روانی تاکتیکی، سران ناکثین را به طور خاص مورد توجه قرار داده و با اعزام فرستادگانی، نیت صلح‌جویانه خویش را به آنان اعلام نمود تا از جنگ و خونریزی جلوگیری نماید. حضرت توسط صعصعه بن صوحان، نامه‌های جداگانه‌ای برای سران ناکثین، یعنی طلحه و زبیر و عایشه فرستادند. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۱۳) همچنین ابن عباس را فرستاد تا با آنان ملاقات حضوری داشته باشد. (مفید، ۱۴۱۳، صص ۱۴-۳۱۸) حضرت همچنین قعقاع بن عمرو، صحابی معروف رسول اکرم(ص) را به سوی سران ناکثین فرستاد که تحت تأثیر وی، آنان صلح را پذیرفتند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، جلد ۳، صص ۲۳۲-۲۳۳) همچنین، آمده است که حضرت حتی به آنان، مهلت سه روزه داد. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۳۴)

Ap6. بهره‌گیری از چهره‌های مؤثر: از دیگر عملیات‌های روانی تاکتیکی حضرت، که هم متوجه سپاه دشمن بود و هم به کلیه مردم باز می‌گشت، استفاده از چهره‌های وجیه در بسیج نیرو بوده است. طبق نقل‌های تاریخی، عدی بن حاتم طایی به قبیله خود، یعنی طی رفت و توانست آنان را به حضرت پیوند دهد (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰، جلد ۱). در جریان بسیج نیرو نیز حضرت، چهره‌های وجیهی مانند امام حسن(ع)، جناب عمار، مالک اشتر، هاشم بن عتبه و ابن عباس را به سوی مردم کوفه فرستاد. همچنین، ام‌سلمه، فرزندش عمر را همراه با امیرالمؤمنین(ع) فرستاد. (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱، جلد ۲، ص ۴۵۶)

ب) حین جنگ:

Aq1. استفاده از پیوندهای مشترک اجتماعی: امیرالمؤمنین(ع) در جنگ جمل، ضمن خطاب قرار دادن قبایل برای تحریک در نبرد (قائدان، ۱۳۷۵،

هانی، محمد بن ابی بکر و محمد بن حنفیه نیز در میان سپاه ایشان بودند (ری شهری، ۸۲-۱۳۸۱، ج ۵). کاریست عملیات روانی تاکتیکی در جمل که ناشی از حضور شخصیت‌های برجسته و مقبول در جنگ بود، تأثیرات روانی فراوانی، چه بر نیروهای خودی و چه بر نیروهای غیر خودی، داشت.

(ج) پس از جنگ:

Ar1. ۴ ذشتن حضرت از میان کشتگان سپاه دشمن را می توان نوعی از عملیات روانی تحکیمی به منظور حفظ موفقیت و از آن مهم تر، آموزش و متقاعدسازی دانست. نقل است که حضرت، جنازه کعب بن سور و طلحه را نشاند و با آنان سخن گفت (مفید، ۱۴۱۳ الف، جلد ۱، ص ۲۵۶). همچنین آورده اند پس از هلاکت زبیر، وقتی چشم حضرت به صورت او افتاد، چنین فرمود که: تو مدتی با پیامبر خدا مصاحب بودی و با او پیوند خویشاوندی داشتی، ولی شیطان بر عقل تو مسلط شد و کار تو به اینجا انجامید (مفید، ۱۴۱۳ ب، ص ۲۰۹). حضرت با گذر از میان اجساد کشتگان و سخن گفتن با آنان، به نظر می رسد بار دیگر می خواستند وجه عقلانی و منطقی رفتار خود را به همگان اعلام نمایند.

Ar2. نمایش رفق و مدارا: رفق و مدارای پس از جنگ، بار دیگر صلح طلبی حضرت را به همگان اثبات می نمود و قباحات کار دشمن را بیش از پیش نمایش می داد و در واقع مانند مورد قبل به تحکیم موقعیت حضرت، کمک فراوانی می نمود. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که حضرت بر ناکشین منت گذاشت همانگونه که رسول اکرم (ص) با اهل مکه کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، جلد ۳۳، ص ۴۴۳). ایشان ضمن نماز خواندن بر هر دو گروه، سه روز در بصره توقف نمود تا جنازه ها را به خاک بسپارد و عایشه را نیز تحت الحفظ

Aq3. تحقیر دشمن: دست کم گرفتن دشمن و نمایش اینکه ترسی از دشمن وجود ندارد، در رفتارهای حضرت قابل رؤیت است که این مسئله نیز از تاکتیک های کوتاه مدت حضرت در عملیات روانی بوده است. نقل است که حضرت در جنگ جمل، زره بدون پشت بر تن کردند (مفید، ۱۴۱۳ ب، ص ۳۵۵). این کار علاوه بر نمایش شجاعت، گویای این مطلب است که دشمن در نگاه ایشان، کوچک و حقیر در نظر گرفته شده است.

Aq4. حذف نماد اصلی دشمن: از میان تمام نمادها و نقاط اصلی سپاه دشمن، شتری که عایشه بر آن سوار بود، نمادی مهم به شمار می رفت و سعی بر آن بود که این نماد به عنوان عامل انگیزه بخش در سپاه حفظ شود. آورده اند دوهزار نفر از قبیله بنی ضبه و نیز دوهزار و هفتصد نفر از قبیله ازد در حمایت از شتر عایشه کشته شدند (یعقوبی، بی تا، جلد ۲، ص ۸۰). حضرت با اطلاع از اهمیت این نماد، امر فرمودند پای شتر عایشه قطع شود و همین اتفاق نیز افتاد و با این تکنیک عملیات روانی در بحران که منجر به از بین رفتن نماد انسجام ناکشین شد، شکست آنان مسجل گردید (مفید، ۱۴۱۳).

Aq5. مشارکت جنگی چهره های مؤثر: در جمل، عمار بن یاسر و عبدالله بن عباس که از اصحاب مشهور و محبوب پیامبر (ص) بودند، فرماندهی بخشی از سپاه حضرت را بر عهده داشتند. همچنین برخی از صحابی دیگر رسول خدا (ص) و برخی شخصیت های موجه که در این نبرد همراه حضرت بودند عبارتند از: ابو ایوب انصاری، عدی بن حاتم، عمرو بن حمق، عمر بن ابی سلمه و هاشم بن عتبّه، اویس قرنی، جاریه بن قدامه، حجر بن عدی، زید بن صوحان، سلیمان بن صوحان، صعصعه بن صوحان، مالک اشتر، شریح بن

۱۳۸۶، صص ۴۵۷-۴۵۸). مجموع این اقدامات، انگیزه‌های مخالفت‌های بعدی را تضعیف می‌نمود و می‌توان آن را در راستای تحکیم موقعیت و عملیات روانی تحکیمی دانست. همچنین از زاویه‌ای دیگر این اقدام دارای تأثیر بلندمدت‌تری نیز می‌باشد و می‌توان آن را نوعی عملیات روانی عملیاتی نیز دانست که نسبت به مخاطبین قلمرو اسلامی اعمال گردیده است.

و با رعایت احترام تمام به مدینه فرستاد (قائدان، ۱۳۷۵، ص ۱۸۰).

Ar3. تداوم اقتدار: پس از پیروزی در جنگ، امام(ع) در بصره به سخنرانی پرداخته و از مردم بیعت مجدد گرفتند؛ حتی مجروحان و کسانی که امان داده شده بودند نیز با ایشان بیعت کردند (طبری، ۱۳۸۷، جلد ۴، ص ۵۴۱). همچنین، ایشان ضمن ارسال نامه‌ای به مردم کوفه و مدینه، دوستان را خوشحال و فرصت طلبان را از اندیشه مخالفت نومید ساختند (سبحانی،

جدول ۲- نکات کلیدی جنگ جمل

نکات کلیدی	نشانه‌ها (کدها)
استدلال و تبیین جنگ	Ap1
بهره‌گیری از نمادها	Ap2
بیان‌های مؤثر	Ap3
کنترل و هدایت نیروهای خاکستری	Ap4
نمایش صلح طلبانه	Ap5
بیان‌های مؤثر	Ap6
استفاده از پیوندهای مشترک اجتماعی	Aq1
نمایش اقتدار	Aq2
تحقیر دشمن	Aq3
حذف نمادهای اصلی دشمن	Aq4
مشارکت جنگی چهره‌های مؤثر	Aq5
استدلال و تبیین جنگ	Ar1
نمایش رفق و مدارا	Ar2
تداوم اقتدار	Ar3

پنج سال حکومت حضرت، ایشان بارها به فکر لشکرکشی به سوی او بودند و هیچ‌گاه سفارش اطرافیان خود مبنی بر مماشات موقت با معاویه را نپذیرفته‌اند (موسوی نیا، ۱۳۹۳، ص ۹۳).

بزرگترین ابزار و حربه مورد استفاده معاویه، فریب و نیرنگ بوده است. او با استدلال‌های فریبنده سعی داشت چهره امیرالمؤمنین(ع) را در جامعه مخدوش

جنگ صفین

بنابر اعتراف خود معاویه، هدف او صرفاً رسیدن به قدرت و حکومت بر مردم بوده است (ابن کثیر، ۱۴۰۷، جلد ۸، ص ۱۳۱) و همین نیت به او اجازه می‌داد در راه رسیدن به هدف، هیچ محدودیتی در بکارگیری ابزار مشروع و نامشروع نداشته باشد. دشمنی حضرت با معاویه، چنان عمیق بوده است که در طول کمتر از

سازد. در همین راستا، با القای شبهاتی مانند استفاده از جهل مردم در بیعت، عدم شرکت تمام مهاجرین، نقش داشتن علی (ع) در قتل عثمان و ... ، می کوشید تا به اغراض خود دست یابد (همایون، ص ۳۲۰).

الف) پیش از جنگ:

Bp1. روشننگری و دفع شبهه: امام (ع) به منظور روشننگری و دفع شبهه و مقابله با عملیات روانی دشمن، به ابهامات سیاسی و فکری که توسط دشمن بیان می شد پاسخ می داد و با اجرای عملیات روانی کوتاه مدت تاکتیکی و بلند مدت استراتژیک، جایگاه حق خود و باطل دشمن را روشن می نمود. امیرالمومنین (ع) در آغازین روزهای حکومت خویش مخالفت خود را با حکومت معاویه اعلام کرده و نامشروع بودن آن را بر همگان روشن نمودند و با ارسال نامه ای مبنی بر بیعت با امام، پیش دستانه مشروعیت خویش را بر معاویه تحمیل کرد، هم حکومت او را نپذیرفت و هم در ضمن بیعت جایگاه خویش را در افکار عمومی و معاویه روشن ساخت. «از بنده خدا علی امیرمؤمنان، به معاویه بن ابی سفیان. پس از حمد و سپاس خداوند؛ به درستی که عذر مرا درباره خودتان و رویگردانی ام را از شما دانستی... از آنان که نزد تو هستند، بیعت گیر و با گروهی از یاران نزد من آی. والسلام!» (نهج البلاغه، نامه ۷۵). امام (ع) در پاسخ به نامه معاویه این گونه فرمود: اما این که مرا از قتل ستمگران بیم داده ای؛ همانا پیامبر خدا مرا به نبرد با ایشان و کشتنشان فرمان داد و به یارانش فرمود: «در میان شما کسی است که برای پاسداشت تأویل [درست] قرآن می جنگد، همان گونه که من برای پاسداشت آن، به گاه نزولش جنگیدم»؛ و آن گاه به من اشاره کرد. پس من سزاوارترین کس برای پیروی از فرمان اویم» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۴،

ص ۴۳).

Bp2. صراحت و شجاعت در موضع گیری: مردم مدینه می خواستند بدانند که رأی علی (ع) درباره معاویه چیست، تا بدین وسیله نظر وی را درباره جنگ با او بدانند که آیا بر این کار، جرئت دارد یا از آن سر باز می زند. مدنیان بدین منظور، زیاد بن حنظله تمیمی را - که از یاران خاص علی (ع) بود نزد او فرستادند. آن گاه علی (ع) در عملیات روانی تاکتیکی به او فرمود: «ای زیاد! آماده شو». زیاد گفت: برای چه کاری؟ فرمود: «که با شامیان، پیکار کنی». زیاد گفت: «درنگ کردن و نرمش به خرج دادن، بهتر است» و شعری خواند: هر که در بسیاری از کارها مدارا نمی کند/ با دندانها دریده شود و با سُم ها کوبیده گردد. علی (ع) نیز به شعری تمثیل جُست: هرگاه دلی هوشیار و شمشیری بُرنده و روحی غیرتمند/ فراهم آیند، تو را از تحمل ستمها دور می دارند. زیاد، نزد مردم [مدینه] بازگشت. آنان در انتظار وی بودند. از او پرسیدند: چه خبر؟ زیاد گفت: ای قوم، شمشیر! پس دانستند که علی (ع) [با معاویه] چه خواهد کرد (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۴۴).

Bp3. یادآوری شکست های دشمن: از جمله تاکتیک های امام (ع) در عین آن که آمادگی کافی برای جنگ با معاویه داشت در رویکردی دلسوزانه وی را اندرز می دهد و از عاقبت جنگ بیم داده وی را از نبرد پرهیز می دهد. علی (ع) به او (معاویه) نوشت: «اما بعد؛ این مایه گمراهی که با خود داری، چندان دور از همانی نیست که خانواده و خاندان تو با خود داشتند... من، خویش، در آن سرزمین ها حاضر بودم؛ در تنور جنگ با آنان حمله ور بودم و بُرندگی شمشیرهایشان را گُند می ساختم و با سران ایشان و سردمداران گمراهی می جنگیدم. به خواست خداوند، جانشین ایشان [یعنی

تو! را نیز در پی همان پیشینیان خواهیم فرستاد. و چه بد جانیشینی است آن که بر جای پیشینینی نشیند که جایگاه و فرودگاهشان آتش است والسلام!» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۱۳۴).

Bp4. انذار از عاقبت جنگ:

دنیوی: امام(ع) به نیت مانع شدن از نبرد با معاویه و آغاز جنگ از نوعی عملیات روانی تاکتیکی بهره می برد و بر عاقبت تلخ جنگ بر او و یارانش می گوید و بر مشی قرآنی انبیاء الهی مخاطب را انذار می دهد. علی(ع) به معاویه نوشت: «اما بعد؛ چه شگفتی آور است پاسخ تو به من و چه قدر عبرت آموز است سرنوشتی که در پیش داری!... گویی هم اینک فردا را می بینم که همچون شتران نالان از بار گران، از جنگ، ضحّه بر می آوری و آن گاه، تو و یاورانت مرا به کتابی فرا می خوانید که با زبان هاتان بزرگش می شمارید و با دل هاتان مغرضانه انکارش می کنید. والسلام!» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۱۳۴).

اخروی: علی(ع) به معاویه نوشت: «تو به سبب اعمالت کيفر می بینی. پس در دنیايت که از تو جداشدنی است، کارهای نیکت را بر باد ده. گویا تو را به باطلت که به سر آمده، می گیرند و به آنچه کرده ای و واژگونت ساخته، مؤاخذه کنند. پس آن گاه به زبانه آتش در می افتی، بی آنکه خداوند بر تو هیچ ستم رانده باشد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۸۶).

Bp5. تحقیر دشمن: از جمله تاکتیک های علمیات روانی امام(ع) تحقیر دشمنان خویش بود. به عنوان مثال ایشان در خطاب به معاویه چنین می فرمایند: «این کار تو همانند آن است که کسی خرما به هجر فرستد یا شاگردی نوآموز، استاد تیر اندازی اش را به مبارزه فراخواند... تو را چه رسد که چه کسی برتر

است و چه کسی فروتر، یا کدام کس سیاستمدار است و کدام سیاست شده؟! آزادشدگان و فرزندان آن ها را چه رسد که میان نخستین مهاجران فرق نهند و مراتب ایشان را تعیین کنند و رتبه هایشان را نشان دهند؟ هیئات! آن تیر که از جنس تیرهای دیگر نبود، آواز برآورد [و خود را شناساند] و آن کس که خود محکوم بود، در این داستان شروع به داوری نمود. ای آدمی!... تو را چه زیان از شکست مغلوب یا پیروزی ظفرمند؟ تو در [بیابان] سرگردانی ره پیمایی و از راه راست، رویگردان!» (نهج البلاغه، نامه ۲۸).

Bp6. اعلام برتری نسبت به دشمن: نشان دادن برتری خویش به دشمن و فضیلت نسبت به او از دیگر روش های تاکتیکی در عملیات روانی علی(ع) است. به عنوان مثال حضرت در خطاب به معاویه و اهل صفین چنین می فرماید: «در آن روزگار، شما دشمنان پیامبر خدا بودید، قرآن را ناراست می شمردید، بر جنگ با مسلمانان همدست می شدید و هر مسلمانی را که می یافتید، در بند می کشیدید یا عذاب می کردید یا می کشتید، تا آن گاه که خداوند مقرر فرمود دینش را سرافرازی بخشد و پیامبرش را [بر دشمنانش] چیره گرداند... پس آن را که نه سابقه دینداری و نه فضل مسلمانی ایشان را دارد، نمی سزد که با ایشان در امر خلافت - که خود شایسته و سزاوار آن اند، به کشمکش برخیزد و آلوده گناه شود. و آن را که خرد دارد، نمی سزد که قدر خویش شناسد و از حدّ خود پافراتر نهد و خود را در طلب چیزی که از آن او نیست، به زحمت اندازد» (المنقری، ۱۴۰۴، ص ۱۴۹).

Bp7. نمایش آمادگی روحی برای نبرد: علی(ع) در صحنه نبرد آمادگی خود و سپاه اسلام را به رخ حریف می کشید و بدین گونه بر روی سپاه دشمن عملیات روانی تاکتیکی را اجرا می نمود که منجر به ضعف

ب) حین جنگ:

Bq1. تشویق و تهییج انگیزه یاران: همچون مرحله قبل از شروع نبرد، امیرالمومنین (ع) در حین نبرد نیز یاران خویش را برای نبردی جانانه تشویق کرده و تلاش داشتند روحیه ایشان را آماده مبارزه نمایند (ر.ک. نهج البلاغه، خطبه ۵۱). امیرالمومنین (ع) در آغاز نبرد صفین خطاب به یاران خود نموده و چنین فرمودند: «ای گروه‌های مسلمان! پروا [ای خدا] را جامه خود سازید، آواها تان را فرو آورید، لباس وقار بر تن پوشید، سرنیزه‌ها را در کار گیرید، شمشیرها را پیش از بیرون کشیدن [از نیام] بجنابانید، از چپ و راست نیزه بزنید، با لبه تیز شمشیر بجنگید، شمشیرها را به گام‌ها و تیرها را به نیزه‌ها برسانید، که شما در محضر خدا و همراه پسر عموی پیامبرش هستید. پیاپی هجوم برید و از گریختن شرم کنید، که گریز از جنگ، ننگ است برای بازماندگان و در عهده [ای آنان] و [نیز] آتش است در روزی که حساب به میان آید. با میل و رغبت جانفشانی کنید و سبکبارانه به سوی مرگ روید... پس سخت آهنگ جنگ کنید تا ستون دین برای شما جلوه گر شود، وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ؛ که شما برترید و خداوند با شماست و هرگز [پداش] کردارتان را نمی‌کاهد» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۸۹).

Bq2. نخبه‌گرایی در آغاز: تاکتیک نظامی و سیره نظامی امام (ع) به گونه‌ای بود که در آغاز جنگ از نخبگان نظامی بهره برده می‌شد. شروع موفقیت‌آمیز نبرد به خصوص در نبردهای تن به تن که سبک رایجی در الگوی نظامی آن دوران بوده است، بسیار مهم بود. علی (ع) به همین منظور سرداران و پهلوانان جنگ آور خود را در آغاز به میدان می‌فرستاد و در جنگ صفین نیز همین روش را پیاده کردند. علی (ع)،

روحی در آنان می‌گردید. «و گفتمی که برای من و یاورانم نزد تو جز شمشیر نیست. راستی را که پس از گریستن، مرا به خنده وا داشتی! چه هنگامی دیده‌ای که فرزندان عبدالمطلب از دشمنان روی گردانند و از شمشیرها ترسانده شوند؟... من در میانه سپاهی از مهاجران و انصار و نیکو پیروان ایشان به سوی تو می‌شتابم؛ همانان که شمارشان فزاینده است و غبارشان پراکنده؛ جامه مرگ را در بر کرده‌اند و دوست داشتی ترین دیدار برایشان دیدار با پروردگار خویش است؛ و با ایشان اند فرزندان رزمندگان بدر و شمشیرهای بنی‌هاشم که خود می‌دانی چگونه فرود آمدند بر برادرت (حنظله بن ابی سفیان)، دایی ات (ولید بن عتبّه)، جدّت (عتبّه بن ربیعّه)، و خویشاوندانت. «وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَبَعِيدٍ؛ و آن [عذاب] از ستمگران دور نیست» (نهج البلاغه، نامه ۲۸).

Bp8. تشویق و تهییج نیروهای خودی: امیرالمومنین (ع) علاوه بر داشتن روحیه جنگنده در خویش و آمادگی کافی برای مقابله با دشمن، یاران را با خواندن عبارت های شور انگیز و اشاره به نقش منفی دشمن و اهمیت جنگ با ایشان، به نبرد و جنگ مردانه تحریک و تشویق می‌کردند. آن گاه که علی (ع) آهنگ حرکت به سوی شامیان کرد و [نماز] جمعه فرا رسید، بر فراز منبر رفت، خدا را حمد و ثنا گفت، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرستاد و گفت: ای مردم! روان شوید به سوی دشمنان سنت ها و قرآن؛ به سوی کُشندگان مهاجران و انصار؛ به سوی جفاپیشگان فرومایه که با بیم و اکراه، اسلام آوردند؛ به سوی آنان که [با پذیرش اسلام دروغینشان] دل‌هاشان به دست آورده شد تا تیرهاشان را از مسلمانان نگه دارند» (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۱۶۴).

را یاد آورد. " فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ؛ پس با پیشوایان کفر قتال کنید، که ایشان را رسم سوگند نگه داشتن نیست. باشد که از کردار خود باز ایستند!" (کوفی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۷۴).

انذار. قرآن کریم ارزش و مفهومی مشترک در میان طرفین نبرد بود و استناد مناسب به آن در اذهان مخاطبان تأثیر بسیاری می گذارد. امام علی (ع) از این روش بهره برده اند به امید هدایت و تأثیر بر جبهه مقابل. حضرت در توصیف کور دلی سپاه مقابل و هدایت ناپذیریشان این آیه را تلاوت می نمایند: «إِنَّكَ لَأَتْسُمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَأَتْسْمِعُ الصَّمَّ الدَّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ * وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ» (المنقري، ۱۴۰۴، ص ۲۰۱).

تبشیر. امیرالمومنین (ع) در بسیاری از مراحل جنگ صفین از بشارت‌های قرآنی پیرامون مومنان بهره می برد: «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالِكُمْ»، «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانًا مَّرْضُوصًا» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۱۱).

دو. استفاده از اسب و دستار پیامبر (ص)

حضرت در نبرد صفین از دستار پیامبر استفاده نمود تا شاید بر سپاه دشمن اثر گذار باشد و مایه هدایت ایشان گردد. علی (ع)، زره پیامبر خدا را خواست و آن را بر پوشید؛ شمشیر پیامبر خدا را طلب کرد و بر سر بربست؛ دستار پیامبر خدا را طلب کرد و بر سر انداخت. آن گاه، اسب پیامبر خدا را فرا خواست و بر آن نشست و [چنین] سخن آغاز کرد: «الا ای مردم! هر که امروز جانش را بفروشد، سود خواهد بُرد...» (کوفی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۷۴).

سه. استفاده از اذکار

پیایی این افراد را به میدان فرستاد: مالک اشتر، حُجْر بن عدی کندی، شَبَث بن ربعی، خالد بن معمر، زیاد بن نضر حارثی، زیاد بن خصفه تیمی، سعید بن قیس، مَعْقِل بن قیس ریاحی و قیس بن سعد. در این میان، آن که بیشتر به میدان رفت، اشتر بود (ر.ک طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۲ و ج ۴، ص ۵۷۳).

Bq3. کوچک شمردن دشمن: حبیب بن مسلمه فهری از جمله سرداران سپاه معاویه در نبرد صفین است که حضرت را تهدید کرده و ایشان در پاسخ این گونه فرمودند: «تو و سواران و پیادگانت، - هر چند آنها را بر من بتازانی - چه هستید؟! خدایت زنده نگذارد اگر مرا زنده گذاری. تو با این کوچکی و زشتی، برای من چه ارزشی داری؟ برو و هر چه می توانی، بتاز و بالا رو!» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۸۹). امام علی (ع) با استفاده از این تاکتیک دشمن را از لحاظ روحی تضعیف می نمود و کوچک نشان می داد.

Bq4. استفاده از نمادهای مناسب: در عملیات روانی بهره برداری از ابزارهای متناسب با صحنه جنگ که بر اندیشه طرف مقابل بسیار موثر باشد امری دقیق و جدی است. امام (ع) در سرتاسر جنگ صفین از ابزارهای بسیاری برای تأثیرگذاری بر دشمنان خود بهره برد.

یک. استفاده مناسب از آیات قرآن کریم:

یکی از ابزارهای دقیقی که امیرالمومنین (ع) در عملیات روانی خود علیه دشمن به کار می بست، استفاده مناسب از آیات قرآن کریم بود. به عنوان مثال حضرت در یوم الهمزیر چنین فرمود: «هلا که اینها، خشم‌های بدی، کینه‌های اُحَدی، و نهفته دردهای جاهلی است که معاویه، اکنون آنها را که از یاد رفته بودند، برانگیخته تا انتقام خون‌های خاندان عبد شمس

دشمن داشتنی مکن. بار خدایا! به تو پناه می‌برم از این که به مایه خشم تو خشنود شوم یا بر مایه خشنودی تو خشم آورم یا به قضای تو تن نسپارم یا گرفتار تو را وا گذارم یا خیرخواه دشمنانت باشم و یا از فرمان تو درباره ایشان، سر باز زنم (ابن طاووس، ۱۴۱۱، ص ۹۸).

Bq5. نمایش چهره با ابهت از سپاه: امیرالمومنین (ع) به سپاهیان خود دستور می‌دهد به گونه ای حرکت نمایید و آرایش سپاه را به گونه ای حفظ نمایید تا ایجاد ابهت نماید: صف‌هاتان را چون بنیانی سُرّبی بیارید. زره پوشان را پیش گمارید و بی زرهان را پشت سر قرار دهید. دندان‌ها را به هم بفشارید، که این [شیوه] برای حفظ سرها از تیغه شمشیرها سودمندتر است. . نیزه‌ها را چنان در اختیار گیرید، که آسان تر به حرکت درآید و نگاه‌ها را به زیر اندازید، که شما را دلیرتر می‌سازد و دل‌ها را آرام تر می‌کند. صداها را فرو برید، که شکست را دورتر می‌راند و با وقار سازگارتر است. پرچم‌هاتان را خَم نکنید و آرزو معرکه بیرون نبرید و آنها را جز به دلیرانتان نسپارید (ر.ک نهج البلاغه، خطبه ۱۲۴ - کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۳۹).

Bq6. نداء مقتدرانه دشمن به نبرد: یکی از اقدامات تاکتیکی که امیرالمومنین (ع) در نبرد صفین انجام دادند ندا به نبرد و اعلام آن که فرصت تمام شد و چون توبه نکردید و دست از طغیان نکشیدید، پس بر شما حمله خواهیم کرد. سپاهیان درنگ ورزیدند تا آن که فرجام ماه محرم نزدیک شد و علی (ع) به مرثد بن حارث جشمی فرمان داد [تا ندا در دهد] و او هنگام غروب آفتاب، شامیان را ندا در داد: هلا که امیر مؤمنان به شما می‌گوید: «همانا با شما مدارا کردم تا به سوی حق باز آیید و توبه کنید. کتاب خداوند را بر شما

علی (ع) در هنگامه جنگ بر لب اذکار الهی را جاری می‌ساخت و هم یاد و ذکر الهی را در دل داشت و هم با بیان این اذکار عنایت و مدد الهی را در بین یاران یاد آور می‌شد و موجبات دل گرمی اصحاب بود. هرگاه به دست خویش، یکی از شامیان را از پای در می‌آورد، تکبیری می‌گفت. فَعَقَاعُ بْنُ أَبِرْدٍ طَهَوِي نقل می‌کند علی (ع) را دیدم که در میانه میدان ایستاده بود. به وی نزدیک شدم و شنیدم که می‌گفت: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ قدرت و قوتی جز به اتکای خدا نیست، و یاری دهنده خداست (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۱۸۴)

چهار. دعا به درگاه الهی

از دیگر روش‌ها و ابزارهایی که علی (ع) از آن بهره‌می‌برد دعا کردن و به کار بردن عبارات زیبا در طلب یاری خداوند است. امام (ع) این گونه می‌فرمود: «بار خدایا! به سوی تو چشم‌ها فرارز آمده، دست‌ها گشوده شده، گام‌ها به پویه درافتاده، زبان‌ها فراخوان گشته، دل‌ها گشوده شده و داوری کارها به تو واگذار گشته است. پس میان ما و ایشان به حق داوری کن، که تو بهترین داورانی! بار خدایا! نزد تو شکایت می‌آوریم از نبودن پیامبرمان، اندکی شمارمان، بسیاری دشمنان، پراکندگی گرایش‌هایمان، دشواری روزگار، و پیدایش فتنه‌ها! ما را مدد فرمای به پیروزی شتابنده و نصرتی که با آن، حکومت حق را شکوه و چیرگی می‌بخشی.» (المنقري، ۱۴۰۴، ص ۲۳۲).

امام صادق (ع) می‌فرماید: روز غرّش، آن گاه که بر دوستان علی (ع) کار سخت شد، وی «دعای غصّه» را خواند؛ همان دعایی که هر که به گاه اندوه و غم آن را بخواند، خداوند از آن نجاتش می‌دهد و آن دعا این است: «بار خدایا! آنچه را مایه خشم توست، برای من دوست داشتنی نساز و آنچه را دوست می‌داری، برایم

عبیدالله بن عمر. پس امام (ع) مرکب خویش را حرکت داد و محمد را ندا داد. محمد به اطاعت او ایستاد. علی (ع) گفت: «مرگیم را بگیر!» محمد چنین کرد. سپس علی به سوی عبیدالله بن عمر رفت و گفت: «هماورد تو منم. پیش بیا!» ابن عمر گفت: مرا نیازی نیست تا با تو مبارزه کنم. گفت: «چنین کن.» گفت: نه. پس ابن عمر بازگشت. ابن حنفیه به پدرش گفت: پدر جان! چرا مرا از هموردی با او باز داشتی؟ به خدا سوگند، اگر مرا وا می گذاشتی، امید داشتیم که او را بکشیم. امیرمؤمنان گفت: «اگر با او هموردی می کردی، من [نیز] امید داشتیم که او را بکشی؛ لیکن از این که او تو را بکشد، خاطر من آسوده نبود» (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۷۱).

Bq9. حضور فرماندهی در صحنه نبرد: امام علی (ع) بر خلاف بسیاری از فرماندهان نظامی در جنگ‌ها که دور از صحنه کارزار به مدیریت نبرد می پردازند، در میانه میدان حضور جدی داشت و همچون سربازی در صف مقدم می جنگید و با این تاکتیک بر روی سپاه خود عملیات روانی مثبت و بر سپاه دشمن عملیات روانی منفی ایجاد می کرد (الدینوری، ۱۳۶۸، ص ۱۸۲). ابن عباس، در پاسخ مردی که از وی پرسید: آیا علی (ع) خود، در جنگ صفین به نبرد پرداخت؟ - به خدا سوگند، هیچ مردی را ندیدم که همچون علی (ع) جان خود را در خطر فنا اندازد. به راستی، خود، او را دیدم که برهنه سر و شمشیر در دست، به مردی زرهپوش یورش بُرد و او را کُشت (ذخائرالعقبی، ص ۱۷۶).

در روز ششم در آغاز نبرد بین دو سپاه که به یوم الیهربیر (روز غرش) معروف است علی (ع) خود مجاهدانه در صحنه نبرد حضور داشت. امام (ع) در تاریک روشن سحر نماز گزارد... سپس سپاه را به جانب شامیان روان

حجت آوردم و به آن فرا خواندمتان؛ اما از سرکشی دست نکشیدید و حق را اجابت نکردید. من یکسره به سویتان می آیم که خدا خیانت پیشگان را دوست ندارد». سپس شامیان، غوغاگرانه به امیران و سَران خویش پناه آوردند (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۱).

Bq7. تضعیف نمادهای دشمن: امام (ع) در اقدامی استراتژیک و تاکتیکی نمادها و نخبگان سپاه دشمن را تضعیف می نمود و با روشنگری علیه آنان موجبات ضعف طرف مقابل را فراهم می آورد. به عنوان مثال هنگامی که عمرو بن عاص [نیز] با سواران یورش آورد، در حالی که با خود، تکه پارچه ای سیاه رنگ داشت که بر نیزه کرده بود. مردم گفتند: ای پرچمی است که پیامبر خدا برای وی بست. علی (ع) گفت: «من شما را از داستان این پرچم خبر می دهم. این، پرچمی است که پیامبر خدا آن را بست و فرمود: "چه کس این را چنان که حق آن است، بر می گیرد؟" عمرو گفت: ای پیامبر خدا! حق آن چیست؟ فرمود: "این است که با آن، از هیچ کافری نگریزی و با هیچ مسلمانی نجنگی". اما او با این پرچم، در دوران زندگی پیامبر خدا، از کافران گریخت و امروز، با مسلمانان می جنگد» (المنقری، ۱۴۰۴، ص ۲۱۶).

Bq8. حفظ نمادهای اصلی: حضرت ضمن تخریب نمادها و شخصیت های شاخص دشمن تلاش داشت نمادها و شخصیت های موثر سپاه خود را حفظ نماید، چرا که کشته شدن آنان موجب تضعیف روانی سپاه اسلام می شد. نقل است که عبیدالله بن عمر از بزرگان سپاه معاویه، پیکی نزد [محمد] ابن حنفیه فرستاد [و پیغام داد برای نبرد تن به تن] به سوی من حرکت کن! گفت: می پذیرم. پس برون آمد و روان شد. نظر امیر مؤمنان [از دور] به او افتاد و گفت: «این دو همورد کیان اند؟». گفته شد: [محمد] ابن حنفیه و

کرد و به سوی ایشان تاخت و خود، نخستین کسی بود که یورش بُرد (المنقری، ۱۴۰۴، ص ۲۳۳).

Bq10. ساده انگاری مرگ: امام علی(ع) در حالی که در صفین، میان دو صف می گشت و جامه‌ای زیرین بر تن داشت و فرزندش حسن(ع) به وی گفت: این، جامه جنگ نیست پسرکم! برای پدرت تفاوتی ندارد که خود به مرگ روی آورد یا مرگ به وی روی کند (طبرسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۲۰). این مبنای استراتژیک در اندیشه امام(ع) موجبات خوف در سپاه دشمن و سبک بالی در سپاه حق می‌گردید.

Bq11. یادآوری ضعف دشمن: از جمله تاکتیک‌های عملیات روانی حضرت در صحنه نبرد نمایان نمودن ضعف دشمن بود. هنگامی که امام علی(ع) با معاویه رو در رو گشت وی را تهدید کرده و ضعف وی را یادآور شده و او را تهدید نمود. پس [بدان] من ابوالحسنم؛ قاتل جدّ و برادر و دایی ات که آنها را در جنگ بدر درهم شکستم و اکنون همان شمشیر با من است و با همان قلب، با دشمنم رویارو می شوم و دین و پیامبر دیگری برنگزیده‌ام... گویی اکنون می بینمت که جنگ، تو را گزیده و از آن شیون سر داده‌ای، همانند شیون شتران زیر بارهای گران؛ و گویی می نگریم سپاهت را که از سختی ضربه‌های پیاپی و سرنوشت پشیم آمده و بر خاک افتادن‌های پیاپی، از بیچارگی، مرا به کتاب خدا فرا می خوانند؛ حال آن که یا از آغاز، حق را [کافر و منکر بوده اند و یا [نخست] بیعت کرده و [سپس، از حق] روی گردانده اند] نهج البلاغه، نامه ۱۰).

Bq12. تحدی در نبرد: امیرالمومنین علی(ع) در میانه نبرد با صفین مستقیماً معاویه را به نبرد و جنگ رو در رو فراخواندند، لکن معاویه از این امر فرار کرد!

امام(ع) چند بار ندا داد: «ای معاویه!» معاویه گفت: از او بپرسید چه می خواهد. گفت: «دوست می‌دارم خود را به من نشان دهد تا با او کلمه ای سخن بگویم». معاویه، همراه عمرو بن عاص، نمودار شد. آن گاه که آن دو به علی علیه السلام نزدیک شدند، وی به عمرو عنایت نکرد و به معاویه گفت: «وای بر تو! بر چه پایه، این افراد میان من و تو به نبرد پردازند و یکدیگر را با شمشیر زنند؟ به مبارزه من بیا، [بر این قرار که] هر کس حریفش را کُشت، خلافت از آن او گردد». معاویه به عمرو روی کرد و گفت: ای ابوعبدالله! رأی تو در این میان چیست؟ آیا با او مبارزه کنم؟ عمرو گفت: به راستی، آن مرد با تو انصاف ورزید. بدان که اگر از اینکار سر باز زنی، تا یک عرب باقی است، بر تو و نسلت همواره دشنام خواهد بود. معاویه گفت: ای عمرو بن عاص! کسی چون من از نفسِ خویش فریب نمی‌خورد. به خدا سوگند، هر مردی که به نبردِ فرزند ابوطالب رفته، هر آینه، زمین از خونش سیراب گشته است. آن گاه، همراه عمرو بازگشت تا به انتهای صف‌ها رسید. علی(ع) چون این صحنه را دید، خندید و به جایگاهِ خود بازگشت (المنقری، ۱۴۰۴، ص ۲۷۵).

Bq13. دفع شبهه: در طول نبرد صفین که یکی از طولانی‌ترین نبردهای علی(ع) بوده است، شبهات بسیاری از طرف مقابل برای ایجاد سستی در سپاه عراق صورت می‌گرفت لکن علی(ع) بسیاری از این شبهات را پاسخ داده و تیز هوشانه عکس العمل نشان دادند. به عنوان مثال معاویه نامه‌های متعددی را به منظور تخریب چهره امام علی(ع) ارسال کرد اما امام نیز پاسخ‌های مناسب و درخوری را به نامه نگاری وی دادند (نهج البلاغه، نامه ۱۷).

ج) پس از جنگ

Br1. استدلال و توجیه جنگ: خدعه عمروعاص در قرآن بر سر نیزه کردن به دلیل ضعف درونی در سپاه امیرالمومنین (ع) به نتیجه رسید. بخشی از سپاه امام (ع) خسته شده بودند و به دنبال بهانه‌ای برای پایان دادن نبرد بودند، در این میان پیشنهاد حکمیت بهترین بهانه برای ترک و اتمام جنگ بود. لذا علی (ع) تلاش نمودند با ارائه استدلال‌ها و بیان خطبه‌ای، سپاه خود را حفظ نمایند و متوجه اشتباهشان کند (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۸).

Br2. بازسازی پس از جنگ: امیرالمومنین (ع) یاران خویش را در پذیرش حکمیت سرزنش می‌کنند و تلاش دارند از این طریق و انذار ایشان موجبات بیداری و فهم ایشان را فراهم آورند. امام (ع) به اصحاب خود فرمودند: «از پذیرش حکمیت شما کاری کردید

که نیروی اسلام را فرو کاست و توانش را از میان برد و سستی و خواری بر جای نهاد. آن گاه که شما سربلندی یافته بودید و دشمنان بیم داشت که ریشه‌کن شود و کشتاری سخت به ایشان روی آورده بود و درد جراحی را می‌چشیدند، ایشان قرآن‌ها را برافراشتند و شما را [به دروغ] به حکم آن فرا خواندند تا خشمتان را از خود، دور کنند و جنگ میان شما و خویش را فرو بنشانند و به حيله و فریب، شما را منتظر حوادث آینده روزگار سازند. آنگاه بر آنچه ایشان دوست داشتند، همدست شدید و آنان را به خواستشان رساندید، جز فریب خوردگانی نبودید. به خدا سوگند، گمان ندارم که از این پس راه هدایت یابید و به خردورزی روی آرید» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۶۸).

جدول ۳- نکات کلیدی جنگ صفین

مفاهیم	نشانه‌ها (کدها)
روشنگری و دفع شبهه	Bp1
صراحت و شجاعت در موضع‌گیری	Bp2
یادآوری شکست‌های دشمن	Bp3
انذار از عاقبت جنگ	Bp4
تحقیر دشمن	Bp5
اعلام برتری نسبت به دشمن	Bp6
نمایش آمادگی روحی برای نبرد	Bp7
تشویق و تهییج نیروهای خودی	Bp8
تشویق و تهییج انگیزه یاران	Bq1
نخبه‌گرایی در آغاز	Bq2
کوچک شمردن دشمن	Bq3
استفاده از نمادهای مناسب	Bq4
نمایش چهره با ابهت از سپاه	Bq5
ندای مقتدرانه دشمن به نبرد	Bq6
تضعیف نمادهای دشمن	Bq7
حفظ نمادهای اصلی	Bq8
حضور فرماندهی در صحنه نبرد	Bq9

ساده انگاری مرگ	Bq10
یادآوری ضعف دشمن	Bq11
تحدی در نبرد	Bq12
دفع شبهه	Bq13
استدلال و توجیه جنگ	Br1
بازسازی پس از جنگ	Br2

جنگ نهروان

در جنگ صفین، با نیرنگی که معاویه در بر نیزه کردن قرآن‌ها و ایجاد اختلاف در سپاه حضرت انجام داد، جای تعجب نبود که بیست هزار سلاح به دست که از کثرت سجود، پیشانی آنان پینه بسته بود حضرت را به اسم بخوانند و ایشان را تهدید به قتل کنند تا به حکمیت قرآن تن در دهد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، جلد ۳، ص ۱۸۲) و طبیعی بود که با این ظاهرنگری و سطحی‌گرایی خوارج در دین‌گرایی، به جای سرزنش خود به سبب تحمیلی که در جنگ صفین بر حضرت روا داشتند، انگشت اتهام را به سوی ایشان دراز کرده و چنین وانمود کنند که علی (ع) نیز به نوبه خود مقصر است. تشکیل جبهه مخالف، ایجاد اختلاف، تمسک به شبهات و درآمیختن حق و باطل، بخشی از گناهان بزرگ خوارج بود که با اعمال آن، جوئی روانی علیه حضرت ساخته شده بود. آنان در آخرین گام‌ها، با امنیت زدایی از قلمروی اسلامی و کشتن افراد بی‌گناهی نظیر عبدالله بن خباب و دریدن شکم زن باردار وی، (ابن قتیبه دینوری، ۱۴۱۰، جلد ۲، ص ۱۳۵) مجددا امری بر حضرت تحمیل نمودند که همان جنگ نهروان بود.

الف) پیش از جنگ

Cp1. دفع شبهه: عملیات روانی تاکتیکی جهت توجیه خوارج در چند فرصت انجام شده است. حضرت با فرستادن ابن عباس به سوی آنان، (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، جلد ۲، ص ۲۷۳) در صدد توجیه و بازگرداندن

خوارج بود و البته، با توجه به احتجاج ابن عباس به قرآن و دستور امام (ع) به وی مبنی بر احتجاج نکردن به قرآن که در نامه ۷۷ نهج البلاغه آمده است، معلوم است که مناظره ابن عباس با خوارج به یکبار ختم نمی‌شود. همچنین، شخص امام (ع) در اردوگاه خوارج برای توجیه آنان حاضر شده‌اند. پیش از آن نیز حضرت، صعصعه بن صوحان، زیاد بن نضر را به سوی خوارج فرستاده بود (سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۷۰۵). در جریان حضور حضرت در میان خوارج، ایشان توانستند یکی از فرماندهان خوارج به نام عبدالله بن کواء یشکری را به همراه جمعی دیگر، متقاعد کرده و به کوفه بازگردانند (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱، جلد ۴، صص ۲۵۴-۲۵۵).

Cp2. کنترل و هدایت مخالفت‌ها: آزادمنشی حضرت در ارتباط با خوارج و اجازه دادن به آنان برای ابراز مخالفت و اعتراض خود، سبب می‌شد تا این نمایش اعتراضات آنان، اصطلاحاً "سوپاپ اطمینانی" برای حکومت بوده و از این طریق، عقده‌های آنان برطرف گردد. حضرت در برابر همه آزار و اذیت‌هایی که خوارج داشتند با آزادمنشی تمام، سه حق را برای خوارج ثابت دانسته و از آنان دریغ نفرمود: نخست اینکه از ورود آنان به مساجد و نماز گزاردن ممانعت به عمل نیاید، دوم اینکه تا وقتی به دشمنی علنی نپرداخته‌اند، سهم آنان از بیت المال قطع نگردد، سوم اینکه تا وقتی آغاز به جنگ نکرده باشند، مقاتله‌ای با آنان صورت نگیرد (سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۷۰۱). به نظر می‌رسد این اقدام

از آنان، تنها ۹ نفر باقی ماندند (سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۷۳۰)، رعب و وحشت فراوانی را بر آنان متحمل ساخت.

Cq3. نفوذ عاطفی: نوع مواجهه حضرت با خوارج نشان می‌دهد که ایشان اکراه قابل توجهی از جنگیدن با آنان داشته‌اند. بخشی از این اکراه به سبب اشتباه محاسباتی خوارج در تشخیص حق بوده است، اما بی‌شک، بخش دیگری از این اکراه، دلیلی جز دلسوزی و تلاش حضرت برای توجیه و هدایت آنان نداشته است. در مواضع متعددی، شاهد سخن گفتن حضرت با سپاهیان دشمن هستیم؛ از جمله خطابه امام در میان صف دو سپاه و استدلال برای خوارج و فراخواندن آنان به بازگشت و توبه (مسعودی، ۱۴۰۹، جلد ۲، ص ۴۰۵).

Cq4. رجزخوانی: شعار و رجزهایی که حضرت در جنگ با خوارج به زبان جاری می‌فرمودند، علاوه بر انگیزه‌بخشی به یاران ایشان، تاکتیکی برای ایجاد رعب و وحشت زائدالوصفی در دل دشمنان محسوب می‌شد. آورده‌اند حضرت در پاسخ به رجزخوانی یکی از خوارج که علی(ع) را تهدید می‌کرد، فرمود:

«ای آن که در جستجوی علی هستی! / همانا تو را نادانی تیره بخت می‌بینم.

تو از نبرد با او بی‌نیازی؛ بشتاب و این جا / این سوی که هستیم، با من مبارزه کن!»

همچنین، ایشان در جواب فرد دیگری چنین فرمودند:

«ای آن که به دنبال ابو الحسنی! به سوی تو می‌آیم / پس بنگر که کدام یک از ما جامه خواری بر تن می‌کند!» (مسعودی، ۱۴۰۹، جلد ۲، صص ۴۰۵-۴۰۶).

نیز محدود به خوارج نمی‌باشد. پاسخ‌گویی حضرت و طرح‌ریزی استراتژیک عملیات روانی، پیامی برای افراد مختلف جامعه داشت و آن پیام، این بود که در حکومت علی بن ابی‌طالب(ع)، آزادمنشی و آزاداندیشی حکمفرماست.

ب) حین جنگ

Cq1. مدیریت تردید اذهان: یکی از نمونه‌های عملیات روانی حضرت در بحران نهروان، برافراشتن پرچم امانی توسط حضرت بود تا راه بازگشتی برای پشیمان شدگان باز گذاشته شود (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸، ص ۲۱۰). آورده‌اند بسیاری از سران و سرشناسان خوارج به سوی حضرت آمدند و جز عبدالله بن وهب راسبی، شخص سرشناسی با آنان باقی نماند (سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۷۲۹). در شمار افراد سپاه خوارج، نقل است که از چهار هزار نفر، دو هزار و هشتصدتن باقی ماندند (طبری، ۱۳۸۷، جلد ۵، ص ۸۶). به نظر می‌رسد این کار، ضمن اینکه شمار نیروهای دشمن را کاهش می‌داد، حربه‌ای روانی علیه نیروهای دشمن نیز محسوب می‌گردید.

Cq2. مانور نظامی فعال: در جنگ نهروان، شاهد شجاعت و صلابت مثال‌زدنی شخص حضرت در میدان جنگ و اجرای عملیات روانی تاکتیکی هستیم. آورده‌اند یکی از خوارج به صف علی(ع) حمله آورد و در حال رجز خواندن و به جنگ فراخواندن ایشان بود. پس علی(ع) به سوی وی حمله کرد و هلاکش نمود و شمشیر را در او فرو برد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، جلد ۲، ص ۲۷۲). محاصره کامل و عملیات احاطه‌ای بر سپاه خوارج، (قائدان، ۱۳۷۵، ص ۲۱۷) عامل دیگری بود که ضربه مهلکی بر آنان وارد ساخته است. همچنین، کشتار سهمگین خوارج در جنگ نهروان که

ج) پس از جنگ

اقدامات حضرت، در دوره زمانی پس از جنگ را می توان در راستای حفظ و تحکیم حکومت اسلامی و آموزش و متقاعدسازی اجتماعی تحلیل نموده و از نمونه های عملیات روانی تحکیمی دانست که در ادامه، به موارد آن اشاره می گردد:

Cr1. دلسوزی: دلسوزی پس از جنگ در حق خوارج، چهره صلح طلب حضرت و ناچار بودن ایشان به امر جنگ را بیش از پیش آشکار می ساخت. حضرت در خطبه ۶۱ نهج البلاغه، چنین می فرماید که: «پس از من خوارج را نکشید، چون کسی که حق را بجوید و خطا کند، چونان کسی نیست که باطل را بجوید و آن را بیابد». همچنین آورده اند که پس از فراغت یافتن از جنگ نهروان، ایشان بر فراز منبر مسجد کوفه نشستند، خدای را ستایش گفتند. آن گاه، گریه راه سخن را بر ایشان بست و آن قدر گریستند که اشک، همه محاسن مبارکشان را فرا گرفت و از آن جاری

شد. سپس محاسن را پاک نمودند و قطره هایی از اشک ایشان بر شماری از افراد فرو افتاد (کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۰۵). مدارای امام با زخمیان خوارج و این فرمایش که «آنها را با خود ببرید و مداوا کنید»، (طبری، ۱۳۸۷، جلد ۵، ص ۸۸) اثبات گر مدعی فوق است.

Cr2. روشننگری و توجیه جنگ: امام در پایان نبرد در برابر اجساد خوارج ایستاد و با تأثر، چنین فرمود که «ای شوربخت مردم! آن که فریبتان داد، شما را زیانکار ساخت» ایشان در مورد عامل فریب خوردن خوارج فرمودند: «شیطان گمراه کننده و نفس هی اماره به سوء [فرمان دهنده به بدی] آنان را با آرزوها فریب داد و راه گناه را برایشان هموار ساخت و وعده پیروزی به آنان داد و در آتششان انداخت. (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۳) این اقدام حضرت، رویه و تلاش ایشان را برای توجیه و روشننگری اطرافیان نسبت به انگیزه و دلایل برپایی جنگ به وضوح نشان می دهد.

جدول ۴- نکات کلیدی جنگ نهروان

مفاهیم	نشانه ها (کدها)
دفع شبهه	Cp1
کنترل و هدایت مخالفتها	Cp2
مدیریت تردید اذهان	Cq1
مانور نظامی فعال	Cq2
نفوذ عاطفی	Cq3
رجز خوانی	Cq4
دلسوزی	Cr1
روشننگری و توجیه جنگ	Cr2

جمع بندی مفاهیم و مقوله ها

چنانچه در جدول فوق آمده است، سه مفهوم استدلال و تبیین جنگ، روشننگری و دفع شبهه، بازسازی و توجیه پس از جنگ با یکدیگر مرتبط تشخیص داده شده و ذیل مقوله نگرش منطقی قرار گرفتند.

همچنین مفهوم بهره گیری از نمادهای موثر، بیان های موثر، نخبه گرایی، حذف و تضعیف نمادهای دشمن به مقوله نمادسازی/نماد سوزی مرتبط دانسته می شود. مفاهیم کنترل و هدایت نیروهای خاکستری، استفاده از پیوندهای مشترک اجتماعی، کنترل و هدایت

مخالفت‌ها در مقوله توجه به ظرفیت‌های اجتماعی دیده شده اند. سایر مقولات نیز بر اساس جدول ذکر شده دسته بندی شدند. براساس مفاهیم به دست آمده از مرحله کشف مفاهیم و مقولات، که در جداول بالا آمده است، می‌توان مدل

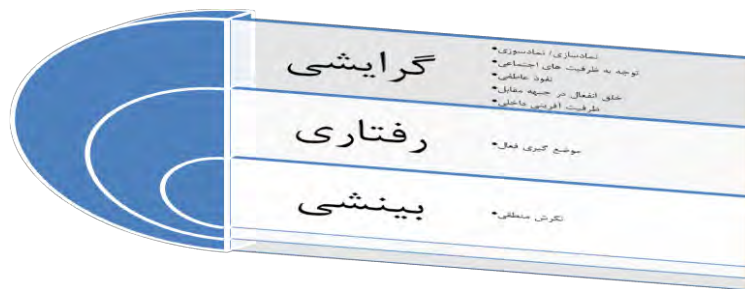
اقتناع سازی در عملیات روانی امیرالمومنین (ع) را مبتنی بر سطح بینشی، سطح گرایشی، سطح رفتاری ترسیم کرد. مدلسازی سه سطحی مذکور گویای اولویت عملیات روانی در سطح گرایشی است.

جدول ۵- شکل‌گیری مفاهیم از کدها مبتنی بر سیره نظامی امیرالمومنین (ع)

مقوله‌ها	مفاهیم	نشانگرها (کدها)
	استدلال و تبیین جنگ	Ar1, Ap1, Br1
بینشی	روشنگری و دفع شبهه	Bq1, Bp2, Cr13
	بازسازی و توجیه پس از جنگ	Cp1, Br2
	بهره‌گیری از نمادهای مؤثر	Ap2, Bq4, Bq8
نمادسازی / نمادسوزی	بیانهای مؤثر	Ap6
	نخبه‌گرایی	Ap3, Aq5, Bq2
	حذف و تضعیف نمادهای دشمن	Aq4, Bq7
توجه به ظرفیت‌های اجتماعی	کنترل و هدایت نیروهای خاکستری	Ap4
	استفاده از پیوندهای مشترک اجتماعی	Aq1
	کنترل و هدایت مخالفتها	Cp2
گرایشی	نمایش رفق و مدارا	Ap5, Ar2
	مهرورزی	Cq3, Cr1
	مدیریت تردید اذهان	Cq1
	انذار از عاقبت جنگ	Bp4
خلق انفعال در جبهه مقابل	تحقیر دشمن	Bp3, Bp5, Bq3, Bq11, Bp6
	اعلام برتری نسبت به دشمن	Aq3
	تشویق نیروهای خودی	Bp8
ظرفیت آفرینی داخلی	تهییج انگیزه یاران	Bq1
	نمایش آمادگی روحی	Bp7, Bq5, Bq6, Bq9, Bq10, Bq12
	مانور نظامی فعال	Cq2, Cq4, Aq2
رفتاری	موضع‌گیری فعال	
	تداوم اقتدار	Ar3
	صراحت و شجاعت در موضع‌گیری	Bp2

سطح گرایشی بیش از سه سطح دیگر است لکن تلاش دارد بر اساس به کارگیری سطوح بینشی عملیات روانی را بر پایه صرف گرایش نهادینه نسازد و قوه عاقلانه را نیز تقویت نماید.

مبتنی بر مفاهیم و مقولات بدست آمده از مرحله کشف مفاهیم و مقولات، که در جداول بالا آمده است می توان الگوی اقتناع و تاثیر گذاری عملیات روانی مبتنی بر رویکرد اسلامی و در سه سطح بینشی، گرایشی و رفتاری را ترسیم نمود. در این رویکرد وزن



نمودار ۳- الگوی اقتناع و تاثیر گذاری عملیات روانی مبتنی بر رویکرد اسلامی

بحث و نتیجه گیری

طراحی شده است و با الگو و تعریف رایج عملیات روانی که نوعی ناخودآگاهی و غفلت را در خود دارد، متفاوت و متغایر است.

عملیات روانی در این مکتب فکری بر اساس مبانی رخ داده است که با روح مادی گرا و نتیجه گرای عملیات روانی رایج در علوم نظامی بسیار متفاوت است. امیرالمؤمنین (ع) با «رویکردی هادیهانه» تلاش در هدایت انسان مختار کریم را دارد و با تأکید بر «معنویت گرایی» و ابزارهای معنوی ثقل ابزارهای مادی در عملیات روانی را که صرفاً بر ابهت ظواهر دنیایی و ابزارهای مادی توجه دارد کاهش دادند. همچنین اصل اساسی «تقوا» سنخیت ذاتی هدف و وسیله را در جریان اجرای عملیات روانی در سیره نظامی ایشان نتیجه داد. هدف متعالی امام (ع) در جامعه اسلامی هدایت بشریت است و این مأموریت عالی در سیره نظامی حضرت به روشنی هویدا است، به عنوان مثال حضرت در پاسخ به چرایی تأنی ایشان در شروع جنگ چنین می فرماید: «اما این که با ایشان تأنی به خرج می دهیم، بدان امید است که هدایت یابند

برای فهم مفاهیم و اصول در نظام اندیشه علوی توجه به مبانی شکل دهنده این نظام فکری و توجه به جهان بینی و انسان شناسی الهی ضروری است. جایگاه ویژه انسان در اندیشه اسلامی و به تبع آن در مکتب علوی، مبنای مدیریت رفتارها در جامعه اسلامی می باشد. امیرالمؤمنین (ع) انسان را موجودی دارای کرامت ذاتی دانسته و عقلانیت آن را در نظر می گیرد و بر خلقت آزادمنشانه انسان توجه دارد. ایشان انسان را موجودی مختار می داند که باید در نظامی اسلامی و انسانی مسیر تکامل را طی کند و بر اساس انتخاب های خود رشد و تعالی یابد. در این نظام فکری انسان باید مسیر تعالی خود را طی نموده و جایگاه خلیفه الهی را به دست آورد. انسان موجودی است که ذاتا کریم است و مسیر کرامت را نیز باید به انتخاب و آزادانه طی نماید. بنابراین اجبار و سخت گیری، مدیریت ناخودآگاه و پنهانی انسان نمی تواند اصل همیشگی و همه جایی قلمداد گردد. بنابراین عملیات روانی در سیره نظامی علوی در صحنه نبرد بر اساس رویکرد فوق الذکر

یا [دست کم] گروهی از ایشان هدایت پذیرند. همانا پیامبر خدا در جنگ خیبر، مرا فرمود: "هر آینه اگر خداوند به واسطه تو یک نفر را هدایت کند، برایت بهتر است از همه آنچه آفتاب بر آن می‌تابد" (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، جلد ۴، ص ۱۳).

علی (ع) در اوج تقواست و متقین را در سیره عملی او باید تعریف نمود لذا یکی از اصول حاکم در شیوه عملیات روانی امام علی (ع) پرهیز از اعمال غیر اخلاقی و غیر انسانی است. به عنوان مثال ایشان در آغازین روزهای جنگ صفین، بعد از باز پس گیری محل برداشت آب بر خلاف دشمن طرف مقابل را از دسترسی به آب منع نکرده و سپاهیان خویش را امر کردند که امکان دسترسی سپاه شام به آب را فراهم آورند. امام علیه السلام دستور داد لشکر به گونه‌ای آراسته شود که هر دو سپاه بتوانند آب بگیرند. بدین سان، امام علیه السلام به پیروزی معنوی دست یافت، چنان که تاریخ، آن را با آب زر در صفحات خویش ثبت کرد. امام (ع)، در رویارویی با دشمن برای دستیابی به پیروزی، استفاده از شیوه های غیر انسانی را ممنوع می‌شمارد. سپس امام علیه السلام نمایندگان را به سوی معاویه گسیل داشت تا او را به فرمانبرداری فراخوانند و از جنگ و خونریزی پیشگیری کنند؛ اما چون نزد معاویه آمدند وی ایشان را خشمگینانه راند (محمدی شهری، ۱۳۸۶، جلد ۶، ص ۱۰۱). از دیگر مصادیق رویکرد امام علی (ع) در صحنه نبرد، دوری از عمروعاص در صحنه نبرد به دلیل عریان شدن وی است. تأکید بر معنویت و «معنویت گرایی» امیرالمؤمنین (ع) در جای جای سیره نظامی حضرت دیده می‌شود. به عنوان مثال ایشان در آستانه شروع جنگ در صفین و پس از بیان احوالات آخرت و یاد کردن از دنیا به دار امتحان، نیروهای

خویش را برای مواجهه مناسب با سختی جنگ و پیروزی، به عبادت و مناجات دعوت می‌نماید: «هلا که شما فردا با این دشمنان روبه رو خواهید شد. پس امشب را با بر پا داشتن نماز، درازا بخشید و قرآن را بسیار تلاوت کنید و از خداوند پیروزی و پایداری طلب کنید و با ایشان، سخت کوشانه و احتیاط‌آمیز رویارویی کنید و راستی پیشه سازید» (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۶۲).

در این پژوهش سیره عملیات امیرالمؤمنین (ع) در سه مرحله قبل از جنگ، حین جنگ و بعد از جنگ مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت که گویای تلاش حضرت در تمامی مراحل وقوع نبرد برای کنترل و هدایت صحنه نبرد است. حضرت در قبل از آغاز نبرد تمامی تلاش خود را می‌نماید تا نبرد آغاز نشود و یا غافلگی و گمراهی در سپاه روبرو حضور نداشته باشد که حجت بر وی تمام نگشته و از روی نادانی در سپاه باطل در برابر جبهه حق ایستاده است. ایشان در اوج نبرد و در حال جنگ نیز علاوه بر تکنیک‌های سخت نظامی مدیریت اذهان سپاهیان خود و دشمن را در نظر داشته و از آن غفلت نمی‌کردند. در مرحله نهایی نیز حضرت جنگ و باز ماندگان نبرد را رها نمی‌کردند و تلاش داشتند با مدیریت آگاهانه اذهان شرایط جامعه اسلامی را بازسازی نموده و ابهامات را بر طرف نمایند، لذا بعد از اتمام جنگ هجم عمده‌ای از عملیات روانی «تحکیمی» طراحی و اجرا می‌شود.

مطالعه عملیات روانی در سه سطح بینش، گرایش و رفتار گویای آن شد که علی (ع) تمامی اضلاع وجودی انسان را در فرآیند عملیات روانی مورد دقت قرار داده و به خصوص توجه ویژه‌ای به سطح بینشی نموده‌اند و مقوله به دست آمده از مجموع مفاهیم در این قسم «نگرش منطقی» است. چراکه در چارچوب نظام علوی

- 6- Consolidation Psychological Operation
- 7- Strategic Psychological Operation
- 8- Operating
- 9- Psychological Operation in Crisis
- 10- Codes
- 11- Concepts
- 12- Categories
- 13- Coding Process

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغة، به تحقیق و تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
- ۳- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن محمد المعتزلی (۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیة الله المرعشی النجفی، ط الاولى.
- ۴- ابن اثیر (۵۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
- ۵- ابن اعثم کوفی (۵۱۴۱۱ق)، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء، ط الاولى.
- ۶- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۵۱۴۰۹ق)، شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الاطهار، به تحقیق و تصحیح محمدحسین جلالی، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول.
- ۷- ابن شهر آشوب، محمد بن علی المازندرانی (۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب (المناقب لابن شهر آشوب)، قم، المطبعة العلمیة.
- ۸- ابن طاووس، علی بن موسی (۵۱۴۱۱ق)، مهج الدعوات و منهج العبادات، قم، دارالذخائر.
- ۹- ابن طاووس، علی بن موسی (۵۱۴۱۱ق)، مهج الدعوات و منهج العبادات، به تحقیق ابوطالب کرمانی و محمد حسن محرر، قم، دارالذخائر، چاپ اول.
- ۱۰- ابن قتیبة دینوری، عبدالله بن مسلم (۵۱۴۱۰ق)، الإمامة و السیاسة (المعروف بتاریخ الخلفاء)، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالاضواء، ط الاولى.
- ۱۱- ابن کثیر دمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر (۴۰۷ق)، البدایة و النهایة، بیروت: دار الفکر.
- ۱۲- ابوحنیفة دینوری (۵۱۳۶۸ش)،

مبانی رفتاری انسان و بینش وی است که رفتار آگاهانه و اختیاری را نتیجه می‌دهد. عملیات روانی در این مکتب صرف به دنبال تغییر رفتارهای ولو به تقلید، ترس و غافلانه نیست، بلکه آگاهی و اختیار و انتخاب مسیر، ثمره اساسی و رویکرد تربیت محور است.

از دیگر یافته‌های این پژوهش که در واقع سوال اصلی این مقاله نیز می باشد کشف مفاهیم و مقولات عملیات روانی در سیره نظامی امیرالمومنین (ع) به عنوان رهیافتی اسلامی در عملیات روانی است. مفاهیم و مقولات به دست آمده گویای آن است که حجم عمده‌ای از عملیات روانی متوجه «گرایش‌ها» است و ایشان با توجه به «نمادها»، «عواطف»، «پیوندهای اجتماعی»، «خلق انفعال در جبهه مقابل» و «ظرفیت‌آفرینی» در پی تاثیری گذاری روانی در این سطح بوده‌اند.

در نهایت باید مجدد به این امر توجه نمود که مفهوم و اصطلاح رایج «عملیات روانی» در علوم نظامی در بسیاری از اصول، مبانی و حتی تاکتیک‌ها با الگوی عملیات روانی در اندیشه دینی و سیره نظامی علوی متفاوت است و جهان بینی توحیدی، هستی شناسی توحیدی و انسان شناسی توحیدی موجب به کار بستن روش‌ها، ابزارها و رویکردهای متفاوتی از عملیات روانی رایج خواهد شد. البته باید توجه داشت که جنگ‌های دوران حضرت علی (ع)، جنگ‌های داخلی و با اهل بغی صورت گرفته است و بعد خارجی آن، باید با تجربه حکومتی پیامبر (ص) تکمیل گردد.

پی نوشت

- 1- Karl Marx
- 2- Max Weber
- 3- Fuller
- 4- Sun Tzu
- 5- Tactical Psychological Operation

- هشتم .
- ۲۲- شیروانی، علی (۱۳۹۰)، ترجمه نهج البلاغه، قم، دفتر نشر معارف.
- ۲۳- طبرسسی، فضل بن حسن (۵۱۴۱۲.ق) مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۴- کریمی، یوسف (۱۳۸۴ش)، روان شناسی اجتماعی، تهران، دانشگاه پیام نور.
- ۲۵- کلینی رازی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش) الکافی. تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ۲۶- گودرزی، غلامرضا؛ رودی، کمیل (۱۳۹۰). تدبیرین مرجعیت علمی برای نهادهای علمی کشور، فصلنامه سیاست علم و فناوری، سال چهارم، شماره ۲.
- ۲۷- مجلسی، محمد باقر (۵۱۴۰۳.ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۸- محمدی ری شاهی، محمد (۱۳۸۶ش)، دانش نامه امیرالمؤمنین (ع)، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
- ۲۹- مسعودی، علی بن الحسن (۵۱۴۰۹.ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق: اسعد داغر، قم، دار الهجرة، ط الثانية.
- ۳۰- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷ش)، سیری در سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا.
- ۳۱- مفید، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، به تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، کنگره شیخ مفید، ط الاولى.
- ۳۲- مفید، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی (۱۴۱۳ق)، الجمل و البصرة لسيد العترة فی حرب البصرة، تحقیق: السيد علی میرشیرینی، قم، المؤتمر العالمي الالفیة الشيخ المفید، ط الاولى.
- ۳۳- موسوی نیسا، سیدمهدی (۱۳۹۳ش)، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد پیوسته با
- الاخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم، منشورات الرضی.
- ۱۳- المنقري، نصر بن مزاحم (۵۱۴۰۴.ق)، وقعه صفین، تحقیق عبد السلام محمد هارون، القاهرة، المؤسسة العربية الحديثة، الطبعة الثانية، ۱۳۸۲، افست قم، منشورات مكتبة المرعشي النجفی.
- ۱۴- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، الگوی جنگ روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران؛ رویکردی فرهنگی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- ۱۵- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۸ش)، مقدمه ای بر عملیات روانی در بحران، تهران، مرکز تالیف کتابهای درسی معاونت تربیت و آموزش سپاه، چاپ اول.
- ۱۶- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۵۱۴۱۷.ق)، جمل من انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ط الاولى.
- ۱۷- پورسعید، سیدمسعود، شامحمدی، محمد (۱۳۹۱). طراحی الگوی جهاد علمی از منظر مقام معظم رهبری، اولین همایش جهاد علمی و مدیریت جهادی (جهاد دانشگاهی)، منتشر نشده.
- ۱۸- حجاب، محمد منیر (۱۳۸۶ش)، جنگ روانی (الحرب النفسیة)، ترجمه سعید یارمند، تهران، مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، چاپ سوم.
- ۱۹- خراز قمی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، تحقیق: السید عبداللطیف الحسینی الكوه کمری، قم، بیدار.
- ۲۰- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۴). تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم سازی بنیادی، دانشور رفتار، سال دوازدهم، شمار ۱۱.
- ۲۱- سبحانی، جعفر (۱۳۸۶ش)، فروغ ولایت: تاریخ تحلیلی زندگانی امیرمؤمنان علی (ع)، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ

- عنوان: نیروهای اجتماعی مؤثر در تأسیس حکومت علوی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۳۴- مہرابی، امیرحمزہ و همکاران (۱۳۹۰). معرفی روش شناسی نظریہ دادہ بنیاد برای تحقیقات اسلامی، مدیریت فرهنگ سازمانی، سال نهم، شماره ۲۳.
- ۳۵- نیش، کیت و اسکات، آلن (۱۳۸۸ش)، راهنمای جامعہ شناسی سیاسی، ترجمہ محمدعلی قاسمی و قدیر نصری، تهران، پژوهشکدہ مطالعات راہبردی.
- ۳۶- ہمایون، سید حسین، نقش بازدارندہ خواص در حکومت علوی، پژوهش های اجتماعی اسلامی، شماره ۳۲ و ۳۳، بہمن و اسفند ۱۳۸۰ و فروردین و اردی بہشت ۱۳۸۱، صص ۳۰۱-۳۲۱.
- ۳۷- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، تاریخ الیعیقوبی، بیروت، دار صادر.

